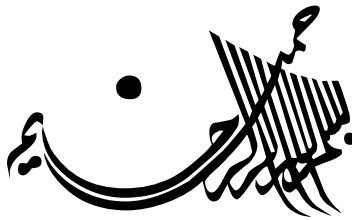


احكام عمره مفردہ

مطابق بافتاواہی

حضرت آیۃ اللہ العظمیٰ

حاج سید محمود ہاشمی شہرودی (دامت برکاتہم
العلیہم)



قسمت اول

آشنایی با مقدمات عمره

این قسمت شامل موضوعات زیر می باشد:

- ✓ جایگاه و فضیلت عمره مفرده
- ✓ شرایط تحقق استطاعت
- ✓ استحباب عمره
- ✓ خمس و زکات و احکام آنها در عمره
- ✓ نیابت در عمره

جایگاه و فضیلت عمره مفرده

عمره مفرده، از جمله عباداتی است که در روایات بسیاری به فضیلت آن اشاره شده، تا جایی که از آن به عنوان حج اصغر یاد شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: (حج اکبر، وقوف در عرفات و رمی جمرات است و حج اصغر، عمره است).

زراره از امام باقر علیه السلام پرسید: چه چیزی در فضیلت، پس از حج است؟ امام فرمود: (عمره مفرده، سپس هر جا که خواست برود).

امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال معاویه بن عمّار می فرماید: (عمره در ماه رجب با فضیلت تر است).

و روایات در این زمینه بسیار است، که بیان تمام آنها در حوصله این نوشتار نیست.

اقسام عمره مفرده

مسأله ۱: عمره مفرده بر دو گونه است واجب و مستحب.

مسأله ۲: بر کسی که فاصله منزل او تا مسجد الحرام کمتر از شانزده فرسخی (۴۸ میل) آن باشد در طول عمر یک بار عمره مفرده به شرط داشتن استطاعت، واجب است. و همچنین بر او حج افراد نیز واجب است و این دو واجب مستقل از هم می‌باشند و احتیاط در آن است که شخصی که نسبت به هر دو مستطیع است عمره مفرده را پس از حج افراد انجام دهد.

شرایط تحقق استطاعت

مسأله ۳: شرایط تحقق استطاعت عمره مفرده عبارتند از:

- ۱- بالغ بودن.
- ۲- عاقل بودن.
- ۳- برده نبودن.
- ۴- داشتن توانایی و سلامتی جسمی.
- ۵- باز بودن راه و امنیت آن.

۶- داشتن هزینۀ زندگی پس از بازگشت (یعنی بعد از بازگشت به حرج و مشقت نیفتند).

مسأله ۴: وجوب عمره مفرده پس از تحقق شرایط آن فوری است.

مسأله ۵: عمره هم مانند حج دو قسم است: واجب و مستحب. و بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد یک مرتبه در عمر واجب می شود، و وجوب آن مانند حج فوری است و در وجوب آن استطاعت حج معتبر نیست بلکه اگر برای عمره مستطیع باشد واجب می شود، هرچند برای حج مستطیع نباشد.

مسأله ۶: واجب است بر کسی که می خواهد داخل مکه شود با احرام وارد شود و احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می خواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می شوند و از آن خارج می شوند استثناء شده است و همچنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از مکه خارج شوند و در همان ماه بازگردند.

مسأله ۷: تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده اند گرچه فاصله انداختن بین دو عمره مفرده لازم نیست. بلکه می توان در یک روز چندین عمره مفرده بجا آورد.

مسأله ۸: کسی که وظیفه اش حج تمتع است مثل اشخاصی که از مکه شانزده فرسنگ شرعی دور باشند اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند عمره مفرده بر آنها واجب نیست مثل اشخاصی که به نیابت، حج می کنند، گرچه احتیاط آن است که بجا آورد.

مسأله ۹: کسی که مُحرم شد به احرام عمره مفرده حرام می شود بر او جمیع چیزهایی که در احرام تمتع گفته شد و بعد از آنکه تقصیر کرد یا سر تراشید همه چیز بر او حلال می شود مگر زنها و بعد از آنکه طواف نساء را با نمازش بجا آورد زن هم بر او حلال می شود.

مسأله ۱۰: موارد دیگر که عمره مفرده واجب می شود عبارتست از:

۱- کسی که نذر کرده یا عهد نموده و یا قسم خورده که عمره مفرده انجام دهد.

۲- کسی که برای انجام عمره مفرده اجیر شده است.

۳- کسی که عمره خود را قبل از انجام دادن سعی به سبب آمیزش فاسد نموده است.

۴- کسی که حج تمتع او به حج افراد منقلب گردیده است.

مسئله ۱۱: راننده یا کسی که به مقتضای شغلش مکرراً وارد مکه می‌شود لازم نیست برای هر بار مراجعت به مکه محرم شود.

مسئله ۱۲: با مال حرام یا مالی که متعلق خمس یا زکات است و خمس یا زکات آن پرداخت نشده، جایز نیست به عمره برود.

مسئله ۱۳: مخارج حج یا عمره یا زیارت ائمه جزء مخارج سال محسوب می‌شود. بنا بر این اگر از درآمد همان سال صرف حج یا عمره یا زیارت شود لازم نیست خمس مبلغی که صرف حج یا عمره یا زیارت شده پرداخت شود. بلی اگر بخواهد از درآمد سالهای سابق صرف کند، حتماً باید قبل از مصرف خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۴: کسی که از درآمد سال خود برای عمره ثبت نام کند و در همان سال مشرف نشود، باید خمس آن را بپردازد. و همین طور است اگر با پولی که خمس به آن تعلق گرفته و خمس آن پرداخت نشده ثبت نام کند. و در این دو فرض اگر بخواهد خمس آن را از درآمد سالی بدهد که در آن سال مشرف نمی‌شود باید خمس درآمد را بدهد و از مال خمس داده شده، خمس آن مال را بپردازد و به این منظور می‌تواند $\frac{1}{5}$ درآمد را بپردازد.

و می‌تواند $\frac{1}{5}$ را بپردازد ولی در این صورت در سَر سال باید خمس آن $\frac{1}{5}$ را بپردازد.

مسئله ۱۵: اگر با پول غصبی یا پولی که خمس و زکات آن پرداخت نشده بلیط هواپیما یا وسیله مسافرتی دیگر را برای عمره تهیه کند، هر چند کار حرامی انجام داده و ضامن است، ولی موجب بطلان عمره او نمی‌شود.

مسئله ۱۶: کسی که تاکنون خمس مال خود را نداده است، اگر از حقوق همان سال و قبل از گذشت سال، لباس احرام و مصارف عمره را تأمین کند مانعی ندارد، ولی اگر از درآمد سالهای قبل تهیه کند حکم غصب را دارد. و اگر شک دارد که به اصل پول خمس تعلق گرفته یا خیر، می‌تواند با آن لباس احرام تهیه کند.

مسئله ۱۷: کسی که خمس اموالش را نداده است لازم است قبل از تشرف به عمره خمس تمام اموال را بپردازد، و در صورت عدم امکان پرداخت با مرجع تقلیدش یا وکیل او دستگردان و مصالحه نماید و خمس مقدار معینی از اموالش را بپردازد و آن مقدار را صرف مخارج عمره نماید ولی این فرد به علت تأخیر در أداء خمس بقیه اموال بدون عذر شرعی، معصیت کار می‌باشد.

مسئله ۱۸: همراه داشتن پول یا اشیاء متعلق خمس در عمره، حتی در طواف و نماز طواف موجب بطلان عمره نمی‌شود.

مسئله ۱۹: نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را در نیت تعیین کند ولو اجمالاً و شرط نیست اسم او را ذکر کند، گرچه مستحب است.

مسئله ۲۰: ذمه منوب عنه فارغ نمی شود مگر به اینکه نایب عمل را صحیحاً انجام دهد بلی اگر نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد از منوب عنه مجزی است.

مسئله ۲۱: لباس احرام در عمره نیابی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر.

مسئله ۲۲: اگر نایب طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد زن بر او حلال نمی شود نه بر منوب عنه ولیکن بر منوب عنه واجب است هم برای طواف نساء نایب بگیرد و احتیاط آن است که همان نایب اول آن را انجام دهد.

مسئله ۲۳: در عمره واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یکسال جایز نیست مگر اینکه به نحو شرکت بر آنها واجب شده باشد مثل اینکه دو نفر یا بیشتر نذر کنند که با شرکت یکدیگر کسی را اجیر نمایند تا از طرف هر دو عمره مستحب انجام دهد که در این صورت می توانند یک نفر را برای این عمره واجب شده بر آنها به نذر اجیر نمایند و در عمره غیر واجب نیابت یک نفر از چند نفر مانع ندارد.

مسئله ۲۴: کسی که وظیفه اش حج افراد و عمره مفرده است اگر عمره مفرده بر ذمه او مستقر شده است و بواسطه مرض، یا پیری قدرت رفتن ندارد یا رفتن برای او حرج و مشقت دارد واجب است

نایب بگیرد، در صورتی که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن در آینده نداشته باشد، بلکه حتی اگر سال اول استطاعت او باشد، بنابر احتیاط بازهم واجب است نایب بگیرد و در هردو فرض در صورتی که بعداً قدرت پیدا کند احتیاطاً باید خودش نیز انجام دهد.

مسئله ۲۵: طواف در عمره مستحبی حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن، خلف مقام باشد.

مسئله ۲۶: زنی که احتمال می‌دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجد الحرام شود می‌تواند برای عمره مفرده مستحبی محرم شود و اگر خون دید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و همچنین مریض اگر احتمال می‌دهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد.

مسئله ۲۷: در عمره مفرده هفت چیز واجب است:

اول: در احرام عمره مفرده لازم نیست از یکی از میقاتها باشد و می‌تواند از ادنی الحل و یا از جدّه با نذر محرم شود مگر کسی که از یکی از میقاتها عبور می‌کند که در اینصورت احتیاطاً لازم است از آن میقات احرام ببندد.

دوم: طواف عمره.

سوم: نماز طواف.

چهارم: سعی بین صفا و مروه.

پنجم: حلق یا تقصیر یعنی تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر و یا کوتاه کردن ریش یا شارب یا ناخن گرفتن و در این حکم فرقی میان ضروره یعنی کسی که سفر اول وی به مکه است و غیر ضروره نیست.

ششم: طواف نساء.

هفتم: نماز طواف.

مسأله ۲۸: محل احرام بستن برای عمره مفرده که آن را میقات می نامند مختلف می شود به اختلاف راههایی که حجاج از آنها بطرف مکه می روند، و آن پنج محل است:

اول: مسجد شجره است که آن را ذو الحلیفه می نامند و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می روند و لازم نیست احرام در مسجد انجام گیرد بلکه از منطقه ذو الحلیفه کافی است.

دوم: وادی عقیق است که اوائل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می گویند که محل احرام عامه است، و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می روند.

سوم: قرن المنازل است و آن میقات کسانی است که از راه طائف حج می روند.

چهارم: یلملم است که اسم کوهی است، و آن میقات کسانی است که از راه یمن می روند.

پنجم: جحفه است و آن میقات کسانی است که از راه شام می روند.

مسأله ۲۹: جایز است در صورت ضرورت احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات اهل شام.

مسأله ۳۰: احتیاط مستحب آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود نه خارج آن، هرچند نزدیک به آن باشد.

مسأله ۳۱: شخص جنب و حائض بنا بر احتیاط مستحب در حال عبور از مسجد محرم شوند، و در مسجد توقف نکنند، و احرام در خارج مسجد هم مانعی ندارد.

مسأله ۳۲: اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در (جحفه) یا محاذی آن احرام را تجدید کند، و لیکن از محاذات میقات عبور می کند احتیاطاً.

مسأله ۳۳: اگر عبور او طوری است که محاذات با دو میقات پیدا می کند باید از جایی که اول محاذات پیدا می کند، احرام ببندد و تجدید نیت در میقات بعد لازم نیست هرچند احتیاط مستحب آن است که تجدید نیت احرام کند.

مسأله ۳۴: کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می کنند احتیاط مستحب آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند و بهتر آن است که در محاذات، تجدید احرام کنند.

مسئله ۳۵: کسی که بواسطه فراموشی یا ندانستن مسئله و عذر دیگر بدون احرام از میقات عبور کرد پس اگر امکان داشت برگشتن به میقات و به اعمال عمره می توانست با برگشتن برسد بنا بر احتیاط واجب است برگردد و از میقات احرام ببندد، چه داخل حرم شده باشد یا نه و اگر ممکن نیست بنحوی که گفته شد، پس اگر داخل حرم نشده از همانجا احرام ببندد، و احتیاط لازم آن است که هر مقداری می تواند به طرف میقات برگردد و از آنجا محرم شود.

مسئله ۳۶: جایز نیست احرام را از میقات تأخیر بیندازد اختیاراً، بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات بدون احرام عبور نکند، اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد ولیکن این حکم تکلیفی است لهذا اگر عمداً احرام را تأخیر انداخت و از میقات بعدی محرم شد احرامش صحیح است اگرچه گناه کرده است و کسانی که مریض و یا ضعیف الحال هستند و نمی توانند از میقات دورتر تا مکه در احرام باشند می توانند احرام خود را به میقات بعدی و یا محاذی آن تأخیر بیندازند بلکه در صورت لزوم تا ادنی الحل نیز می توانند احرام را به تأخیر اندازند.

مسئله ۳۷: کسانی که برای انجام عمره مفرده با هواپیما به جده می روند می توانند از جده با نذر و یا از حدیبیه محرم شوند و اگر از مدینه بروند بنا بر احتیاط باید از مسجد شجره محرم شوند.

مسئله ۳۸: اگر شخص در میقات محرم شد و بعد از ورود به مکه پشیمان شد نمی‌تواند احرام خود را به هم بزند و اگر کاری که موجب کفاره است به جا آورد باید کفاره بدهد و تا وقتی اعمال عمره را انجام ندهد محلّ نمی‌شود.

مسئله ۳۹: هرگاه زن در حال عادت ماهیانه باشد و خیال کند احرام بستن برای او جایز نیست و در میقات احرام نبندد اگر می‌تواند باید به میقات برگردد و محرم شود و اگر نمی‌تواند، به خارج حرم برود و در آنجا احرام ببندد و اگر نمی‌تواند از همان جا که هست احرام ببندد و عمره او صحیح است.

واجبات احرام

مسأله ۴۰: واجبات در وقت احرام سه چیز است:

اول - نیت، یعنی انسان در حالی که می خواهد محرم شود به احرام عمره مفرده، نیت کند عمره مفرده را و لازم نیست قصد کند ترک محرمتی را که بر محرم پس از احرام، حرام می شود.

مسأله ۴۱: دوم - تلبیه، یعنی لبیک گفتن، و صورت آن بنا بر اصح آن است که بگوید: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ).

و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است، و احتیاط مستحب آن است که پس از آن چهار «لبیک» را بصورتی که گفته شده بگوید:

(إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ).

و اگر بخواهد احتیاط بیشتر بکند پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:

(لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ).

و مستحب است بعد از آن بگوید:

(لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَفَا رَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبَدُّئِ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ).

و این جملات را نیز بگوید خوب است:

(لَبَّيْكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحُجَّتِ وَعُمْرَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَهَذِهِ عُمْرَةٌ مُنْتَعَةٌ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلْبِيَةٌ تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ).

مسئله ۴۲: واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لیبیک را که گذشت، همانطور که صحیح گفتن تکبیره الاحرام در نماز واجب است.

مسئله ۴۳: اگر تلبیه را بقدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند، یعنی کلمه کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می خواهد احرام ببندد دنبال او بطور صحیح بگوید.

مسئله ۴۴: اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید احتیاط آن است که به هر نحو که می تواند

بگوید و ظاهراً همین مقدار کافی است و احتیاط مستحب آن است که ترجمه را بگوید و نایب نیز بگیرد.

مسأله ۴۵: اگر لبیک گفتن را فراموش کرد یا بواسطه ندانستن حکم نگفت، واجب است برگردد به میقات در صورت امکان و احرام ببندد و لبیک بگوید و اگر نتواند برگردد بنا بر احتیاط واجب به مقداری که ممکن است به طرف میقات برگردد و محرم شود و اگر ممکن نیست همانجا محرم شود و لبیک بگوید.

مسأله ۴۶: اگر کسی لبیک واجب را نگفت چه بواسطه عذری و چه بدون عذر چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی شود، و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می شود بجا آورد کفاره ندارد، و همچنین اگر لبیک را به ریاء باطل کند.

مسأله ۴۷: واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هرچه می تواند، و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است بگوید (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ) یا تکرار کند (لَبَّيْكَ) را فقط.

مسأله ۴۸: کودکان نیز می توانند برای عمره محرم شوند و چنانچه ممیز باشند و بتوانند لبیک را می گویند و اگر غیر ممیز باشند کسی از طرف آنها نیت می کند و لبیک می گوید.

مسئله ۴۹: سوم - پوشیدن دو جامهٔ احرام برای مردان که یکی «لنگ» است و دیگری «رداء» که باید آن را به دوش بیندازند و احتیاط واجب آن است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط مستحب آن است که لبیک را دوباره بگوید.

مسئله ۵۰: لازم نیست که لنگ، ناف و زانورا بپوشاند، و کفایت می‌کند که بنحو متعارف باشد، ولی مستحب است که ناف و زانو را بپوشاند.

مسئله ۵۱: در پوشیدن دو جامهٔ احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی بپوشد مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که می‌خواهد و یکی را رداء قرار دهد به هر کیفیتی که می‌خواهد، و احتیاط مستحب آن است که رداء شانه‌ها را بپوشاند.

مسئله ۵۲: شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمی‌کند جامه حریر و غیر مأكول و جامه ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.

مسئله ۵۳: دو جامه ای که ذکر شد که باید محرم بپوشد مخصوص به مرد است ولی زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو هست محرم شود چه دوخته باشد یا نباشد مشروط بر این که مانع از نماز نباشد و همچنین حریر محض نباشد.

مسئله ۵۴: احتیاط واجب آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن این دو جامه نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید، و احتیاط مستحب مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود.

مسئله ۵۵: اگر محرم اضطرار پیدا کند بیوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن می تواند قبا و پیراهن بیوشد، لکن باید قبا را پائین و بالا کند و بدوش بیندازد و دست از آستین آن بیرون نیاورد، و احوط آن است که پشت و رو نیز بکند، و پیراهن را نیز باید بدوش بیندازد و نپوشد، و اگر اضطرار رفع نمی شود مگر بیوشیدن قبا و پیراهن، می تواند بیوشد و بنابر احتیاط کفاره هم بدهد.

مسئله ۵۶: لازم نیست جامه احرام را همیشه در برداشته باشد بلکه جایز است آنها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن آنها را بکند بلکه جایز است برای رفع حاجت و غیر حاجت هردو را بیرون بیاورد و لخت شود.

مسئله ۵۷: شخص محرم می تواند از دو جامه احرام بیشتر بیوشد، مثل دو سه رداء و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر.

مسئله ۵۸: اگر لباس احرام را عمداً نپوشد یا لباس دوخته در حالی که می خواهد محرم شود بیوشد معصیت کرده است، ولی به

احرام او ضرر نمی رساند و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است.

مسئله ۵۹: گره زدن لباس احرام اشکال ندارد ولی احتیاط واجب آن است که آن را که لنگ قرار داده بگردن گره نزنند و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرر نمی رساند و چیزی هم بر او نیست و سنگ در جامه احرام گذاشتن و با نخ بستن نیز جایز است.

مسئله ۶۰: شرط نیست در احرام بستن پاک بودن از حدث اصغر و اکبر، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و نفساء مستحب است.

مسئله ۶۱: هرگاه از روی جهل یا فراموشی احرام را ترک کند و بعد از تمام شدن اعمال متوجه شود اعمال او صحیح است.

مستحبات احرام:

مسأله ۶۲: مستحبات احرام چند چیز است:

- ۱- آنکه قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.
- ۲- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.
- ۳- آنکه پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید گرچه این غسل از حائض و نفساء محل اشکال است و کسی که به خاطر عذر نمی-تواند غسل کند می-تواند بدل از این غسل به قصد رجاء تیمم کند، و تقدیم این غسل بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث أصغر محدث شد مستحب است غسل را اعاده نماید.
- ۴- آنکه دو جامه احرام از پنبه باشد.

۵- آنکه احرام را به ترتیب ذیل ببندد در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر . و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر و در صورت عدم تمکن از آن بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و شش رکعت أفضل است، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد آنگاه بگوید:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ، وَأَمَّنَ بِوَعْدِكَ، وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَأَنِي عَبْدُكَ، وَفِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَلَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ، وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقَوِّبَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ، وَتُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يَسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، وَاجْعَلَنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَارْتَضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَأَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَاجَتِي وَعُمْرَتِي . اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ، وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي، فَخَلِّبْنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ . اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَةً فَعُمْرَةٌ، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِي وَعَصْبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالنِّيَابِ وَالطَّيِّبِ، ابْتِغَاءً بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ).

ع- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَ أُوَدِّي فِيهِ فَرْضِي، وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَ أَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ قَبْلَ عَنِّي،

وَ أَرَدْتَهُ فَأَعَانِي وَ قَبْلِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي، وَ وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَمَنِي فَهُوَ
حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَ مَنْجَايَ وَ دُخْرِي
وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي).

۷- آنکه تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در موارد
آینده:

- الف - وقت برخاستن از خواب.
 - ب - بعد از هر نماز واجب و مستحب.
 - ج - وقت رسیدن به سواره.
 - د - هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن.
 - هـ - وقت سوار شدن یا پیاده شدن.
 - و - آخر شب.
 - ز - اوقات سحر.
- زن حائض و نفساء نیز این تلبیه ها را بگویند.

مکروهات احرام

مسأله ۶۳: مکروهات احرام چند چیز است:

- ۱- احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در جامه سفید است.
- ۲- خوابیدن محرم بر رخت و بالش تیره رنگ.
- ۳- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.
- ۴- احرام بستن در جامه راه راه و نقش دار و رنگارنگ و هر جامه ای که محرم را نشان نما کند.
- ۵- استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.
- ۶- کیسه کشیدن و مالیدن بدن جهت بیرون آوردن چرک بدن و امثال آن مکروه است.
- ۷- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید و همچنین خواندن شعر و نقل آن برای دیگران و نشستن به نحوی که زانوها را به طرف شکم جمع کرده بوسیله دو دست و یا جامه و پیچیدن شال و یا عمامه دور سینه و شکم بلکه اگر دور سینه به پیچد به نحوی که لباس محسوب شود جایز نیست.

مُحرّمات احرام

اول - شکار صحرائی که وحشی باشد، مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن.

مسأله ۶۴: خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه محرم شکار کند یا غیر محرم، همچنین حرام است ذبح شکار بر محرم و ذبح شکار و یا شکار آن در حرم حتی بر مُحلّ و خوردن آن بر محرم نیز حرام است حتی اگر در خارج از حرم و بوسیله محلّ شکار شده باشد و همچنین حرام است خارج کردن حیوانات شکاری از داخل حرم به خارج از آن و اگر کسی پرنده ای بگیرد و از حرم خارج کند باید آن را به حرم بازگرداند و همچنین است اگر حیوان شکاری اگرچه پس از شکار شدن به حرم پناه ببرد

مسأله ۶۵: نشان دادن شکار به شکارچی بر محرم و یا محلّ در حرم حرام است و همینطور اعانت او به هر نحوی حرام است و اگر اعانت کرد و آن حیوان شکار شد کفاره بر او هم ثابت می شود.

مسأله ۶۶: اگر محرمی صید را ذبح کند و یا آن را شکار کند و یا شکار ذبح شود و همچنین اگر محلّ آن را در حرم شکار کند و یا

ذبح کند در حکم میته خواهد بود هم دربارهٔ محرم و هم محل ولیکن نجس و غیر مذکی نمی باشد بلکه تنها حرمت اکل دارد اگرچه حلیت آن از برای محلّ در صورت صید یا ذبح خارج از حرم بعید نیست.

مسأله ۶۷: شکار دریایی مانع ندارد، و آن حیوانی است که تخم و جوجه، هردو را در دریا کند یعنی تنها در آب زندگی کند.

مسأله ۶۸: ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد هرچند وحشی و رم کرده باشد.

مسأله ۶۹: پرندهگان، جزء شکار صحرائی می باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرائی است.

مسأله ۷۰: احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد اگر قصد اذیت او را نداشته باشد.

مسأله ۷۱: هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است.

و همانگونه که شکار حیوانات صحرائی حرام است کشتن همه حیوانات حرام است به جز:

۱- حیوانات اهلی هرچند وحشی شده باشند.

۲- مرغی که قادر بر پرواز نیست مانند مرغ خانگی.

۳- حیوانی که از آن برخورد می ترسد و یا قصد زدن یا گزیدن انسان را دارد.

۴- پرندگان شکاری اگر کبوتران حرم را اذیت کنند.

۵- مار بد و عقرب و موش و همچنین تیراندازی و سنگ انداختن به کلاغ و لاشخور جایز است. و در شکار محرم و یا شکار در حرم و خوردن از آن کفاره ثابت است و کفاره شکار یا کشتن شتر مرغ و گورخر یک شتر و در گاو وحشی یک گاو و همچنین حیوانات وحشی بزرگ دیگر احوط یک شتر است. در شکار آهو و خرگوش و کبک و کبوتر یک گوسفند لازم است و در مثل شکار گنجشک و امثال آن یک مد از غذا است و در مثل ملخ یک خرما و اگر بیشتر باشد یک کف از غذا و درجائی که یک شتر کفاره لازم است در صورت عدم امکان اطعام شصت مسکین هر مسکین یک مد از غذا و در صورت عدم امکان آن هیجده روز روزه واجب است در مقابل هر ده مسکینی سه روز روزه و اگر کفاره گاو باشد اطعام سی مسکین لازم است و اگر کفاره گوسفند باشد اطعام ده مسکین هریک یک مد از طعام و یا اطعام شش مسکین هریک دو مد از طعام لازم است و به همان نسبت ذکر شده روزه واجب است در صورت نبودن قدرت بر اطعام و در کفاره صید فرقی میان عالم و جاهل و ناسی نیست.

دوم - جماع کردن با زن، و بوسیدن و ملاعبه و مطلق لمس با شهوت، و نگاه بشهوت، بلکه هر نحو لذت و تمتعی بردن که شهوانی باشد.

مسأله ۷۲: اگر کسی در احرام عمره مفرده از روی علم و عمد با زن چه در قبُل و چه در دُبُر و یا با مرد جماع کند ظاهراً عمره اش باطل نمی‌شود ولیکن موجب کفاره است که بیان آن می‌آید و بنا بر احتیاط واجب اگر این عمل قبل از اتمام سعی انجام گیرد عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه بجا آورد.

مسأله ۷۳: اگر زنی را از روی شهوت ببوسد و انزال شود کفاره آن یک شتر است و اگر بدون انزال باشد کفاره آن یک گوسفند است و اگر بدون شهوت ببوسد کفاره ندارد لیکن احتیاط واجب در بوسیدن همسر بدون شهوت نیز کفاره دادن یک گوسفند است.

مسأله ۷۴: اگر عمداً نگاه کند بغیر زن خود و انزال شود احوط آن است که اگر می‌تواند یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌تواند یک گاو و اگر آن را هم نمی‌تواند یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۷۵: اگر کسی با زن دست بازی کند بشهوت و انزالش نشود یک گوسفند کفاره آن است و اگر انزالش شود احتیاط آن است که یک شتر کفاره بدهد.

مسأله ۷۶: اگر مردی با زن خود که مُحرم است از روی اجبار جماع کند بر زن چیزی نیست، و مرد باید علاوه بر کفاره خود کفاره زن را هم بدهد، و اگر زن از روی رضایت تن به جماع دهد کفاره بر خود اوست، و مرد باید کفاره خودش را بدهد، و کفاره ای که باید بدهند گذشت.

سوم - عقد کردن زن از برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و مُحلّ باشد.

مسأله ۷۷: احتیاط مستحب آن است که محرم شهادت ندهد بر عقد اگرچه شاهد عقد شده باشد، در حال محرم نبودن اگرچه جایز بودن آن خالی از قوت نیست.

مسأله ۷۸: اقوی آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز است و احتیاط در ترک است.

مسأله ۷۹: اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسأله، آن زن بر او حرام دائمی می شود.

مسأله ۸۰: اگر زنی را با جهل به مسأله برای خود عقد کند عقدی که کرده است باطل است، لکن حرام دائمی نمی شود، ولی احتیاط آن است که آن زن را نگیرد خصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد.

مسأله ۸۱: احتیاط آن است که زن اگر احرام بسته باشد و مرد محرم نباشد و عقد کند او را، با او نزدیکی نکند و طلاق دهد او را، و در صورت علم به مسأله او را طلاق دهد، و با او هیچ وقت ازدواج نکند.

مسأله ۸۲: چهارم - استمناء اگر محرم با آلت خود بازی کند و منی از آن بیرون بیاید حکم کسی است که با زن خود نزدیکی کرده و مسأله آن گذشت و اگر بدون بازی با آلت استمناء نمود، کفاره بر او واجب می‌شود و بنابر اظهار عمره‌اش فاسد نخواهد شد هرچند رعایت احتیاط در اعاده آن بهتر است.

پنجم - استعمال عطریات است از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق عطر هر قسم که باشد.

مسأله ۸۳: مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست و همینطور پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد اگرچه قبلاً به آن عطر مالیده شده باشد.

مسأله ۸۴: خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی عطر می‌دهد. مثل زعفران جایز نیست.

مسأله ۸۵: اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی عطر می‌دهد اضطرار پیدا کند بنابر احتیاط لازم دماغ خود را بگیرد که بوی عطر به آن نرسد.

مسئله ۸۶: احتیاط آن است که از «دارچینی» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آنها اجتناب کند اگرچه اقوی حرام نبودن آنها است.

مسئله ۸۷: از میوه‌های خوشبو از قبیل سیب، اجتناب لازم نیست، و خوردن آنها و بوئیدن آنها مانع ندارد، لکن احتیاط آن است که بوئیدن را ترک کند.

مسئله ۸۸: اقوی حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد، لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد.

مسئله ۸۹: خرید و فروش عطریات اشکال ندارد لکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند.

مسئله ۹۰: کفاره استعمال بوی عطر در صورت علم و عمد بنابر مشهور یک گوسفند است، ولی ثبوت کفاره در غیر خوردن و پوشیدن لباس معطر و یا عطر مالیدن به لباس و بدن محل اشکال است هرچند احوط کفاره دادن است.

مسئله ۹۱: مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه و آن چیزی است که کعبه را به آن خوش بو می کنند حرام نیست، لکن چون معلوم نیست که خلوق چیست احتیاط مستحب آن است که اجتناب کند از بوی خوشی که در کعبه است.

مسئله ۹۲: اگر بوی عطر را مکرر استعمال کرد در وقت واحد به طوری که عرفاً یکبار استعمال محسوب شود بعید نیست یک

گوسفند کفایت کند، لکن احتیاط در تعدد است، و اگر در اوقات متعدده استعمال کرد احتیاط ترک نشود و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد واجب است که باز کفاره بدهد.

ششم - پوشیدن چیز دوخته، برای محرم جایز نیست که جامه دکمه دار یا آنچه فایده دکمه را داشته باشد بپوشد در صورتی که دکمه آن را ببندد و همچنین جایز نیست جامه ای بپوشد که یقه و آستین داشته باشد و سر را از یقه و دستها را از آستین بیرون بیاورد و همچنین جایز نیست شلوار و زیر شلواری و آنچه را که در ستر عورتین مانند آنها باشد مگر اینکه ازار (لنگ) نداشته باشد که در این صورت پوشیدن آن جایز است، و بنا بر احتیاط واجب باید از پوشیدن لباسهای متعارف مانند پیراهن و قبا و لباده و کت و پیراهن عربی پرهیزد هر چند دکمه آنها را نبندد یا دست از آستین و سر از یقه بیرون نیاورد.

مسأله ۹۳: چیزهایی که شبیه به دوخته است مثل پیراهنهایی که با چرخ یا دست می بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالاپوش می مانند مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن جایز نیست پوشیدن آنها.

مسأله ۹۴: احوط اجتناب از مطلق دوخته است البته معیار لباس دوخته نیست بلکه انواع خاصی از لباس حرام است و به احتیاط واجب لباسهای متعارف هم حرام است و اما کمربند و بند ساعت و

دمپایی و امثال آن اگر دوخته باشد اشکال ندارد گرچه کمر بند مکروه است و همچنین اشکال ندارد اگر حاشیه لباس احرام دوخته باشد یا بر آن مارکی باشد که دوخته شده باشد.

مسئله ۹۵: همیانی را که در آن پول می گذارند اشکال ندارد به کمر ببندد هرچند دوخته باشد.

مسئله ۹۶: اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد، ولی کفاره باید بدهد.

مسئله ۹۷: جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را ببعضی وصل کند گرچه احتیاط در ترک است.

مسئله ۹۸: از برای زنها جایز است لباس دوخته هر قدر می خواهند بپوشند و کفاره ندارد، اما احتیاطاً دستکش نبوشند.

مسئله ۹۹: کفاره پوشیدن لباس دوخته در غیر جاهل و ناسی یک گوسفند است.

مسئله ۱۰۰: اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثل پیراهن و قبا و عبا برای هر یک باید کفاره بدهد و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کرد و یک دفعه پوشید باز برای هریک کفاره بدهد.

مسئله ۱۰۱: اگر از روی اضطرار لباسهای متعدد پوشید کفاره ساقط نمی شود.

مسئله ۱۰۲: اگر یک قسم لباس بپوشد مثل پیراهن و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.

مسئله ۱۰۳: هفتم - مطلق زینت کردن و آراستن خود بلکه پوشیدن و یا بکار بردن چیزی - مانند سرمه - که صرفاً زینت و آراستن باشد اگرچه قصد زینت نداشته باشد بجز زیور آلات زنان که قبل از احرام پوشیده بوده اند بدون اظهار آن حتی از برای شوهر خود و همچنین پوشیدن انگشتر از برای مرد جایز است بشرط این که قصد تزئین نداشته باشد بنابر این آنچه در بندهای هفتم، سیزدهم و چهاردهم آمده است به یک عنوان برگشت می کند.

مسئله ۱۰۴: در سرمه کشیدن کفاره نیست لکن اگر در سرمه بوی عطر باشد احتیاط کفاره دادن است.

هشتم - نگاه کردن در آینه، به قصد زینت دادن اندام یا لباس و اصلاح آنها.

مسئله ۱۰۵: نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن پیدااست و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۶: در نظر کردن به آینه کفاره نیست لکن مستحب است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.

نهم - پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هرچه تمام روی پا را می گیرد.

مسأله ۱۰۷: این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد.

مسأله ۱۰۸: اگر مرد محتاج شود به پوشیدن چیزی که روی پا را می گیرد احتیاط مستحب آن است که روی آن را شکاف دهد.

مسأله ۱۰۹: در پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد احوط ثبوت کفاره یک گوسفند است اگر عالم و عامد و بدون عذر باشد.

دهم - فسوق است.

مسأله ۱۱۰: فسوق اختصاص به دروغ گفتن ندارد بلکه فحش دادن و فخر به دیگران کردن اگر مستلزم دروغ باشد و یا مشتمل بر توهین و تحقیر دیگری باشد فسوق است. احوط در فسوق آن است که اگر مشتمل بر فحش نباشد چیزی را صدقه بدهد و اگر باشد یک گاو در صورت میسور بودن و الا یک گوسفند کفاره بدهد.

یازدهم - جدال است و آن گفتن «لا والله» و «بلی والله» است.

مسأله ۱۱۱: قسم اگر به لفظ «الله» باشد یا مرادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی جدال است، و اما قسم بغیر خدا به هرکس باشد ملحق به جدال نیست.

مسأله ۱۱۲: احتیاط واجب الحاق سایر اسماء الله است به لفظ جلاله، پس اگر کسی قسم بخورد به رحمان و رحیم و خالق سموات و ارض، جدال محسوب می شود به احتیاط واجب.

مسأله ۱۱۳: در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است قسم بخورد به جلاله و غیر آن و همچنین اگر مرادش اظهار محبت یا تعظیم باشد، مثل: تو را به خدا این کار را نکن.

مسأله ۱۱۴: اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه قسم خوردن در یک قضیه چیزی بر او نیست و در موارد صدق کمتر از ۳ بار قسم خوردن جدال هم نیست بر خلاف قسم به دروغ بنا بر این اگر در هر مرتبه هم قسم راست تا سه بار یا قسم نخورد جدال نبوده و کفاره هم ندارد و در سه مرتبه یا بیشتر باید کفاره بدهد و کفاره آن یک گوسفند است.

مسأله ۱۱۵: در قسم به دروغ اگر در یک قضیه پشت سر هم سه بار یا بیشتر قسم بخورد یک گاو کفاره دارد و اگر یک بار و یا دو بار قسم بخورد یک گوسفند کفاره باید بدهد و تکرار قسم در قضایای متعدد و نوبتهای متعدد اثری در این حکم ندارد.

دوازدهم - کشتن جانورانی که در بدن ساکن می شوند مثل شپش و کک و کنه که در بدن حیوان است در صورت عدم ضرر و آزار.

مسأله ۱۱۶: جایز نیست انداختن شپش و کک را از بدن.

مسأله ۱۱۷: در کشتن این جانوران احتیاطاً کفاره صدقه دادن یک کف از طعام ثابت است و احتیاطاً نیز کشتن پشه هم ملحق به شپش است.

سیزدهم - انگشتر بدست کردن به جهت زینت و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد.

مسئله ۱۱۸: اگر انگشتر بدست کند نه برای زینت و نه برای استحباب مثل آنکه برای خاصیتی بدست کند اشکال ندارد.

مسئله ۱۱۹: اگر قبل از احرام «حنا» ببندد چه بقصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد، ولی احتیاط خوب است.

مسئله ۱۲۰: انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد.

مسئله ۱۲۱: رنگ کردن موها در صورتی که به آن تزئین گفته شود برای محرم اشکال دارد هرچند قصد زینت نداشته باشد و اما رنگ کردن موها و بستن حنا قبل از احرام به طوری که اثرش تا موقع احرام باقی بماند اشکالی ندارد مگر این که از اول قصدش تزئین برای حالت احرام باشد.

چهاردهم - پوشیدن زیور برای زن بجهت زینت.

مسئله ۱۲۲: اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که ترک کند هرچند قصد تزئین نداشته باشد بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست.

مسئله ۱۲۳: زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد.

مسئله ۱۲۴: پوشیدن زیور حرام است، و اگر عمداً بپوشد بنا بر احتیاط یک گوسفند صدقه بدهد و یا به شش فقیر هریک دو مد از طعام بدهد و یا سه روز روزه بگیرد.

پانزدهم - روغن مالیدن است به بدن.

مسئله ۱۲۵: احوط حرام بودن مالیدن روغن است اگرچه بوی عطر در آن نباشد.

مسئله ۱۲۶: جایز نیست روغنی که بوی عطر در آن است استعمال کند پیش از احرام اگر اثرش باقی می ماند تا وقت احرام.

مسئله ۱۲۷: اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد.

مسئله ۱۲۸: اگر در روغن بوی عطر باشد کفاره آن یک گوسفند است اگر از روی جهل باشد کفاره اش احتیاطاً صدقه دادن یک مد طعام است.

شانزدهم - ازاله مو از بدن خود یا غیر خود چه مُحرم باشد چه مُحل.

مسئله ۱۲۹: در حرمت ازاله مو فرقی نیست میان کم و زیاد بلکه ازاله یک مو نیز حرام است.

مسئله ۱۳۰: ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد، مثل زیادی شپش و دردسر و موی چشم که اذیت می کند.

مسئله ۱۳۱: اگر در وقت غسل یا وضو و یا هرگونه تطهیر موی بدون قصد کننده شود اشکال ندارد.

مسئله ۱۳۲: کفاره سر تراشیدن ولو بعضی از سر و یا اصلاح آن چه خود بترشد و یا بوسیله دیگری انجام دهد اگر بجهت ضرورت باشد دوازده «مُد» طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز، روزه بگیرد یا یک گوسفند قربانی کند. و «مُد» یک چارک (ده سیر) است تقریباً.

مسئله ۱۳۳: اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد و از روی جهل یا نسیان و غفلت نباشد احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، بلکه تعیین گوسفند در اینصورت بعید نیست.

مسئله ۱۳۴: اگر از زیر هردو بغل خود ازاله مو کند باید یک گوسفند ذبح کند برای کفاره، بلکه احتیاط آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند یک گوسفند کفاره بدهد و همچنین اگر موی زیر بغل را بکند حکم همین است و اگر به جهت ضرورت باشد کفاره تخییری که در سر تراشیدن است ثابت است و اگر موی ریش یا غیر آن را بکند کفاره آن یک مشت طعام است و اگر محرم سر دیگری را تراشید چه محرم باشد چه غیر محرم کفاره ندارد.

مسئله ۱۳۵: اگر با علم و قصد دست بکشد به سر یا ریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد احتیاط مستحب آن است که یک کف طعام صدقه بدهد.

مسئله ۱۳۶: محرم نمی‌تواند مو از بدن دیگری زایل کند خواه طرف مقابل محرم باشد یا غیر محرم، خواه با تیغ باشد یا با وسیله دیگر ولی این کار کفاره ای ندارد.

هفدهم - پوشانیدن مرد سر خود را به هر چه او را بپوشاند.

مسئله ۱۳۷: احتیاط مستحب آن است که چیزی بر سر نگذارد مثل بار برای حمل که سر به آن پوشیده شود.

مسئله ۱۳۸: جایز است ببعض بدن خود، سر را بپوشاند، مثل آنکه دستها را روی سر بگذارد، لکن احتیاط در ترک آن است.

مسئله ۱۳۹: پوشاندن بعض سر احتیاطاً حرام است و اما فرو بردن بعض آن به نحوی که ارتماس صدق نکند حرام نیست.

مسئله ۱۴۰: گوشها ظاهراً از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشانید.

مسئله ۱۴۱: پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست.

مسئله ۱۴۲: دستمالی را که برای سردرد بسر می‌بندد عیب ندارد.

مسئله ۱۴۳: زیر دوش حمام رفتن برای محرم مانع ندارد، لکن زیر آبخاری که سر را فرا گیرد جایز نیست.

مسأله ۱۴۴: در وقت خوابیدن مرد نباید سر خود را بپوشاند، و اگر بدون التفات پوشانید باید فوراً آن را باز کند و همینطور اگر از روی فراموشی پوشانید واجب است فوراً سر را باز کند و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن.

مسأله ۱۴۵: اگر سر را بپوشاند به نحوی از انحاء تصدق به یک مدّ از طعام کافی است اگرچه احوط یک گوسفند است.

هیجدهم - پوشانیدن زن روی خود را به نقاب و روبند و برقع.

مسأله ۱۴۶: پوشانیدن رو را به هرچیز اگرچه چیزهای غیر متعارف باشد مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر جایز نیست بنا بر احتیاط، و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند.

مسأله ۱۴۷: اگر دستهای خود را روی صورت یا روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد.

مسأله ۱۴۸: جایز است برای رو گرفتن از نامحرم چادر یا جامعه را که به سر افکنده پائین بیندازد تا محاذی بینی، بلکه چانه، بلکه در صورت احتیاج تا گردن و چیزی بر او نیست.

مسأله ۱۴۹: در نقاب انداختن و پوشانیدن رو در مورد علم و عمد و نبودن اضطرار بنا بر احتیاط کفاره واجب است و کفاره آن یک گوسفند است.

نوزدهم - سایه قرار دادن مرد بر بالای سر خود در حال سیر و سایه متحرک با انسان.

مسئله ۱۵۰: سایه قراردادن جایز نیست از برای مردان، و برای زنها و بچه ها جایز است، و کفاره هم ندارد.

مسئله ۱۵۱: حرام بودن سایه متحرک قراردادن بالای سر مختص بحال منزل طی کردن یعنی انتقال از نقطه ای به نقطه دیگر نیست بلکه حتی داخل شهرها با سایه متحرک مانند نشستن در ماشین سواری و یا محمول است و اما در حالی که در محلی و حتی میان راه ها منزل کرد در منی باشد یا غیر آن زیر سایه ثابت و غیر متحرک رفتن مانع ندارد، همچنین هرگونه سایه متحرک با انسان مانند: ماشین، محمول و چتر تضلیل و.. حرام است و تنها با دست می‌تواند از آفتاب مانع شود و یا در سایه سقفهای ثابت و یا در کنار سایه متحرک و نه زیر آن حرکت کند.

مسئله ۱۵۲: نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن بنظر بعید نیست بنابراین بعید نیست جایز بودن نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می کند هرچند احتیاط در ترک است.

مسئله ۱۵۳: استظلال در حال سیر برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است، لکن باید کفاره بدهد.

مسئله ۱۵۴: كفاره سايه قراردادان در حال سير يك گوسفند است چه با عذر سايه افكننده باشد چه بدون عذر بنا بر احتياط واجب.

مسئله ۱۵۵: اقوى كفایت يك گوسفند است در احرام عمره هر چند بيش از يك مرتبه سايه قراردادده باشد.

بيستم - بيرون آوردن خون از بدن خود.

مسئله ۱۵۶: بيرون آوردن خون از بدن ديگرى مثل حجامت كردن او يا دندان او را كشيدن بر محرم حرام نيست.

مسئله ۱۵۷: جايز نيست به مثل خراشيدن بدن خون از آن بيرون آورد و همينطور به مسواك نمودن خون از بن دندانها بيرون آورد.

مسئله ۱۵۸: خون از بدن در آوردن بنا بر احتياط كفاره ندارد و كفاره آن تخييري ذكر شده در سر تراشيدن است.

بيست و يكم - ناخن گرفتن.

مسئله ۱۵۹: جايز نيست بعض ناخن را هم بگيرد مگر آنكه موجب آزار شود، مثل آنكه بعض آن افتاده باشد و بعض ديگر موجب آزار او باشد.

مسئله ۱۶۰: اگر يك ناخن از دست يا پا را بگيرد يك مد طعام بايد كفاره بدهد، و براى هر ناخن دست تا به ده نرسيده بايد يك مد طعام كفاره بدهد، و همچنين در ناخنهاى پا.

مسأله ۱۶۱: اگر تمام ناخن دستها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره آن است.

مسأله ۱۶۲: اگر ناخن دستها را تماماً بگیرد در یک مجلس یا چند مجلس و در یک مجلس دیگر یا چند مجلس دیگر تمام ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفاره آن است.

مسأله ۱۶۳: اگر پنج ناخن از پا بگیرد و پنج ناخن از دست را در یک جلسه یا چند جلسه بگیرد برای هر یک باید یک مد طعام کفاره بدهد و همچنین است اگر کمتر از ده ناخن را در هر یک از دست و پا بگیرد برای هر یک باید کفاره بدهد.

بیست و دوم - کندن دندان

مسأله ۱۶۴: جمعی از فقهاء نظرشان این است که کندن دندان هر چند خون در نیاید از محرمات احرام است و کفاره اش را یک گوسفند دانسته اند ولی دلیلش تأمل دارد و بعید نیست این عمل جایز باشد در صورتی که خون نیاید و همچنین در صورتی که به جهت علاج و یا دفع درد باشد جایز است و بنا بر احتیاط در صورتی که عالماً و عامداً انجام گیرد و به جهت علاج یا دفع درد نباشد کفاره تخییری پوشیدن زینت و زیور را دارد.

مسأله ۱۶۵: کشیدن یا کندن یا جرم گیری دندان اگر باعث خونریزی شود در حال احرام مکروه است ولی اگر موجب خونریزی نشود اشکالی ندارد هر چند احتیاط مستحب در ترک آن است.

بیست و سوم - کندن یا بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روئیده باشد و یا شاخه آن در حرم قرار گرفته باشد.

مسأله ۱۶۶: درختهای میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می تواند آنها را قطع کند، و در گیاهها (اذخر) که گیاه معروفی است از حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد.

مسأله ۱۶۷: اگر درختی را که جایز نیست کندنش بکند احتیاط آن است که کفاره بدهد و کفاره کندن درخت از بیخ، قیمت همان درخت است و کفاره قطع مقداری از آن قیمت همان مقدار است و کندن علف یا قطع آن کفاره ندارد.

مسأله ۱۶۸: بیست و چهارم - سلاح در برداشتن اگر به نحو پوشیدن باشد بنا بر احتیاط جایز نیست و احتیاطاً در صورت علم و عمد و نبودن ضرورت و یا خوف از دشمن و غیره یک گوسفند کفاره لازم است کفاره بدهد. و همراه داشتن سلاح بدون این که آن را بپوشد مکروه است هرچند احتیاط در ترک آن است اگر ظاهر باشد. و این حکم مخصوص به محرم نیست بلکه نسبت به دخول در حرم است.

مسائل متفرقه محرمات احرام

مسأله ۱۶۹: بعد از آنکه کودک محرم شد یا او را محرم نمودند ولی یا سرپرست او باید او را از محرمات احرام بازدارد و اگر مرتکب یکی از محرمات احرام شد کفاره آن در صید بر عهده ولی اوست و ولی نمی‌تواند از اموال طفل بپردازد و احتیاط مستحب آن است که در غیر صید نیز ولی از طرف او کفاره بدهد.

مسأله ۱۷۰: شخصی که با ماشین مسقف رانندگی می‌کند باید در هر احرام یک گوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفاره تکرار نمی‌شود. و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن.

مسأله ۱۷۱: پوشید نعلینی که بندهای عریضی داشته باشد ولی تمام روی پا را نگیرد در حال احرام مانعی ندارد.

مسأله ۱۷۲: در شب استظلال نیست بنابراین جایز است محرم در شب با ماشین سقف دار به مکه برود ولی در هوای ابری در روز جایز نیست.

مسأله ۱۷۳: تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می‌شود تزریق نکند مگر در مورد حاجت و ضرورت.

مسأله ۱۷۴: بعد از آنکه محرم به منزل رسید و لو در محله‌های جدید مکه که از مسجد الحرام دور هستند نمی‌تواند در روز برای رفتن به مسجد الحرام و یا غیره در ماشینهای مسقف سوار شود مگر بعد از این که از احرام خارج شود اما می‌تواند زیر سایه ثابت برود.

مسأله ۱۷۵: میقات عمره مفرده در خود مکه واقع شده است اما کسی که در آنجا برای عمره مفرده احرام بست نمی‌تواند در اتوبوس سقف دار سوار شود.

مسأله ۱۷۶: گرفتن ناخن توسط محرم از غیر محرم جایز است.

مسأله ۱۷۷: محرم می‌تواند ناخن محرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد.

مسأله ۱۷۸: مستحبات دخول حرم

۱- همین که عمره گذار به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.

۲- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جلّ و علا پابرنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳- وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

(اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ : وَأَدْنَىٰ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ
 رَجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ
 مِنْ أَجَابِ دَعْوَتِكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا
 لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلَّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ
 فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الرِّزْقَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ
 وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ).

۴- وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آن را بخورد.

مستحبات دخول مکه معظمه

مسأله ۱۷۹: برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف
 غسل بنماید و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد
 شود، و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت
 بیرون آمدن از پائین آن بیرون آید.

آداب دخول مسجد الحرام

مسأله ۱۸۰: مستحب است مکلف برای دخول مسجد الحرام غسل بنماید و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی شیبه» وارد شود و گفته اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستونها بگذرد.

و مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده بگوید:

(السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ).

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

(بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ)

وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ،
السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ
اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ
مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ
إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عِنْدَكَ
وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ
عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي
أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ
أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلِّ تَنَاءً وَجْهَكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَقْدِهِ
وَزُوَارِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَا تَبِيَّ حَقٌّ لِمَنْ أَنَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ
خَيْرُ مَا تَبِي وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَبُّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
وَخَدُّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا رَبُّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ
خ ل) كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ
يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَا جَدُّ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحَفَّتَكَ إِيَّايَ
بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوْ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ).

پس سه مرتبه می گوید:

(اللَّهُمَّ فُكْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ).

پس می گوید:

(وَأَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ).

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست ها را بلند نموده و بگوید:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَأَنْ تَصَحَّ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُكَ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأُؤَمِّمُ طَاعَتَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ).

بعد خطاب می کند به سوی کعبه و می گوید:

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ).

و مستحب است وقتی که محاذی حجرالأسود شد بگوید:

(أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ).

و هنگامی که نظرش به حجرالأسود افتاد متوجه به سوی او شود و بگوید:

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَحْشَى وَأَحْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ).

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجرالأسود رسیدی، دست های خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند. پس از آن، حجر را بوسیده و استلام نما و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

(اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي نَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّقاً بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ

بِالْحُبِّ وَالطَّاعُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ
يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ).

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

(اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظَمْتُ رَغْبَتِي فَأَقْبَلْ سُبْحَتِي
وَاعْفُرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخُرَيْ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ).

طواف واجب و بعضی از احکام آن

کسی که محرم شد به احرام عمره مفرده و وارد مکه معظمه شد اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره مفرده.

مسئله ۱۸۱: طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن بنحوی که خواهد آمد و هر دوری را شوط می گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

مسئله ۱۸۲: طواف از ارکان عمره است و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که فوت شود وقت آن، عمره او باطل است چه عالم به مسئله باشد و چه جاهل باشد، البته جاهل به موضوع یعنی کسی که معتقد است ولو به جهت حجت شرعی طواف انجام داده و عملش صحیح بوده و پس از گذشت محل تدارک بطلان آن و یا عدم انجام طواف کشف خلاف شود ملحق به ناسی است و تنها طواف را اعاده می کند.

مسئله ۱۸۳: اگر از روی سهو طواف را ترک کرده یا آن را به طور صحیح انجام نداده باشد لازم است آن را بجا آورد هر وقت که

باشد و اگر برگشته به محل خود و نتواند برگردد به مکه یا مشقت داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.

مسئله ۱۸۴: اگر سعی را بجا آورده پیش از آنکه طواف را بجا آورد احتیاط واجب آن است که سعی را هم بجا آورد و اگر نماز طواف را بجا آورده باید آن را هم بعد از طواف اعاده کند مگر در صورتی که طواف را فراموش کند تا وقت آن بگذرد.

مسئله ۱۸۵: اگر شخص محرم بواسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند اگرچه بدوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند، و اگر بتواند نماز طواف را خودش انجام دهد باید بعد از طواف نایب، انجام دهد و الا نایب انجام می دهد.

واجبات طواف

واجبات طواف دو قسم است:

قسم اول - چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است:

اول - نیت است، یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا بجا آورد.

مسئله ۱۸۶: نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذرانند، بلکه همانکه بنا دارد این عمل را بجا آورد و با این بنا بجا آورد، کفایت می کند.

دوم - آن است که طاهر باشد از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر یعنی باید با وضو باشد.

مسئله ۱۸۷: طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.

مسئله ۱۸۸: طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست، لکن کسی که جنب یا حائض است جایز نیست در مسجد الحرام وارد شود، و اگر غفلتاً یا نسیاناً نیز طواف مستحب کرد صحت آن محل اشکال است.

مسئله ۱۸۹: اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف واجب کند باطل است، چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسئله باشد.

مسئله ۱۹۰: اگر در اثناء طواف حدث عارض شود پس اگر پس از تمام شدن دور چهارم است باید طواف راقطع کند و طهارت تحصیل کند و از همانجا که طواف را قطع کرده تمام کند. و لازم

است در تحصیل طهارت تأخیر نیاندازد و الاً أحوط اعاده طواف است به نیت اعم از اتمام و اعاده.

مسأله ۱۹۱: اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم حدث عارض شود احتیاطاً مستحب آن است که تمام کند طواف را و اعاده کند و می‌تواند طواف را اعاده کند به نیت ما فی الذمه اعم از اتمام و اعاده، و این حکم در حدث اصغر است.

مسأله ۱۹۲: اگر در اثناء طواف، حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود، پس اگر پیش از تمامی دور چهارم بود پس از غسل، طواف را اعاده کند.

مسأله ۱۹۳: اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل و وقت طواف واجب تنگ شود، واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل.

مسأله ۱۹۴: اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنا بر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده یا نه.

مسأله ۱۹۵: اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که با وضو آن را بجا آورده یا نه یا شک کند با غسل آن را بجا آورده یا نه اگر بعد از حدث اصغر شک کند در اینکه قبل از طواف از جنابت یا حیض غسل کرده و طواف را انجام داده یا نه باید غسل کرده و طواف را اعاده کند و برای اعمال آتیه نیز وضو بگیرد.

مسأله ۱۹۶: اگر در اثناء طواف شک کند که وضو داشته یا نه اگر سابقه طهارت داشته به شک خود اعتنا نکند و الا واجب است طهارت گرفته و طواف را از سر بگیرد و بهتر آن است که اعاده را به نیت مافی الذمه اعم از اتمام و اعاده انجام دهد.

مسأله ۱۹۷: اگر در اثناء طواف شک کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه باید فوراً از مسجد الحرام بیرون برود، پس اگر شوط چهارم را تمام کنده بود و شک کرده، بعد از غسل برگردد تنمه را بجا آورد، و در غیر این صورت باید غسل کرده و طواف را اعاده نماید.

سوم - طهارت بدن و لباس است از نجاست.

مسأله ۱۹۸: احتیاط مستحب آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده - مثل خون کمتر از درهم - اجتناب کند. طواف در جامه ای که با آن نتوان نماز خواند (یعنی ساتر نباشد مانند عرقچین و جوراب) اگر نجس باشد مانعی ندارد، و همچنین بودن چیز نجس همراه انسان مانند انگشتر در طواف مانعی ندارد.

مسأله ۱۹۹: در خون قروح و جروح تا آن اندازه ای که می شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند اما اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند.

مسئله ۲۰۰: اگر طواف کند و بعد از آنکه از طواف فارغ شد علم پیدا کند به نجاست در حال طواف اظهر آن است که طوافش صحیح است.

مسئله ۲۰۱: اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است می تواند با آن حال طواف کند، و صحیح است چه بداند که بیشتر از این پاک بوده یا نداند، لکن اگر بداند که بیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است نمی تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

مسئله ۲۰۲: اگر در بین طواف نجاستی بدن یا لباس او عارض شود اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همانجا تمام کند و طواف او صحیح است.

مسئله ۲۰۳: اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده اگر جامه پاکی هماره داشته باشد و یا بتواند همانجا بدن را تطهیر کند بدون این که موالات از بین برود لازم است انجام دهد و طواف را به اتمام برساند و اگر موالات از بین می رود باید طواف را رها کند و تطهیر کند و از همانجا بقیه طواف را تمام کند اگر بعد از اكمال شوط چهارم باشد و اعاده ندارد و اگر قبل از آن باشد احتیاطاً باید طواف را اعاده کند به نیت اعم از اتمام و اعاده و نماز طواف را بعد از آن بخواند.

مسئله ۲۰۴: اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاطاً مستحب اعاده است و اگر در بین طواف یادش بیاید حکم مسئله قبل را دارد. ولی نماز طواف را اگر انجام داده باید آن را اعاده کند.

مسئله ۲۰۵: بیماری که پی در پی حدث از او سر می‌زند اگر به مقداری وقت دارد که بتواند با بدن و لباس پاک طواف کند باید در آن وقت طواف را انجام دهد و الا برای هر بار که حدث از او سر می‌زند خودرا تطهیر کند و وضو بگیرد و بنا بر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

چهارم - ختنه کردن است در حق مردان و این شرط در زنها نیست، و احتیاط واجب آن است که در باره بچه‌های نابالغ مراعات شود.

مسئله ۲۰۶: اگر بچه را که ختنه نشده وادار به احرام کنند یا او را محرم نند احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست پس اگر محرم به احرام حج شود چون طواف نساء او باطل است بنابراین احوط حلال شدن زن بر او مشکل می‌شود مگر آنکه او را ختنه کنند و طواف دهند یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند یا آنکه نایب برای او بگیرند تا طواف کند.

پنجم - ستر عورت است، پس اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل است، و احوط در آن اباحه است بلکه با لباس غضبی غیر

ساتر نیز بنا بر احتیاط مستحب و احتیاط مستحب آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنمایند.

مسئله ۲۰۷: احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند، یعنی در بین دورهای طواف آنقدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود.

قسم دوم - چیزهایی است که گفته اند داخل در حقیقت طواف است، اگرچه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لکن در عمل فرقی نمی کند، و آن هفت چیز است:

اول - آنکه ابتداء کند به حجر الاسود.

مسئله ۲۰۸: در ابتداء کردن به حجر الاسود لازم نیست که تمام اجزاء بدن طواف کننده به تمام اجزاء حجر الاسود عبور کند، بلکه واجب آن است که انسان از حجر الاسود، هر جای آن باشد شروع کند و به همان جا ختم کند.

مسئله ۲۰۹: از هر جای حجر الاسود که شروع کرد باید در دور هفتم به همان جا ختم کند، پس اگر از اولش شروع کرد باید به اولش ختم شود و همچنین اگر از وسط یا آخر شروع کرد باید به همان جا ختم شود.

دوم - ختم نمودن هر دوری است به حجر الاسود، و این حاصل می شود به اینکه بدون توقف، هفت دور را ختم کند و در

دور هفتم به همان جا که شروع کرده ختم شود و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند.

سوم - آنکه در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود.

مسئله ۲۱۰: لازم نیست در تمام حالات طواف خانه را حقیقتاً بشانه چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل عليه السلام خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متمائل به پشت شود لکن دور زدن بنحو متعارف باشد اشکال ندارد.

مسئله ۲۱۱: اگر در موقع رسیدن به گوشه های خانه شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد اگر بطور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متمائل به پشت شود.

مسئله ۲۱۲: اگر بواسطه مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن بخلاف متعارف شد مثل آنکه روی طواف کننده به کعبه واقع شد یا پشتش واقع شد و یا عقب عقب طواف کرد باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد. و اگر نتواند در اثر ازدحام برگردد و جبران کند می تواند تا همان نقطه بدون قصد طواف برود و از آنجا شوط را کامل نماید و یا از آن طواف دست برداشته و مجدداً طواف را اعاده کند.

مسأله ۲۱۳: اگر بواسطه کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود بردند و دور دادند کفایت نمی‌کند البته مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شود مادامی که اختیار سلب نشده باشد به این که بتواند از جمعیت بیرون بیاید.

مسأله ۲۱۴: در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می‌تواند آهسته برود و می‌تواند تند برود و می‌تواند بدود و می‌تواند سواره طواف کند یا با دوچرخه طواف کند. لکن بهتر آن است که بطور میانه روی برود.

چهارم - داخل کردن حجر اسماعیل (علیه السلام) است در طواف، و حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است، و باید طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

مسأله ۲۱۵: اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد طوافش باطل است، و باید اعاده کند.

پنجم - احوط آن است که طواف بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) باشد.

ششم - خروج طواف کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است.

مسأله ۲۱۶: در اطراف دیوار خانه یک پیش آمدگی است که آن را شاذروان گویند و آن جزء خانه کعبه است و طواف کننده باید آن را هم داخل قرار دهد.

مسأله ۲۱۷: اگر کسی در بعضی از احوال بواسطه کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است و باید اعاده کند.

هفتم - آنکه هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادتر.

مسأله ۲۱۸: اگر از روی علم و عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور بجا آورد و یا بیشتر بجا آورد اگر از روی ندانستن حکم یا بلکه از روی سهو و غفلت باشد و یا قصد امتثال اصل امر به طواف را داشته باشد در صورتی که به هفت دور تمام کند طواف صحیح است اگرچه احتیاط مستحب آن است که طواف را اعاده کند.

مسأله ۲۱۹: اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است بخیال آنکه یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور بجا آورد طوافش صحیح است.

مسأله ۲۲۰: اگر کم کند از طواف واجب چه یک دور یا کمتر یا بیشتر از یک دور از روی عمد واجب است آن را اتمام کند و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده - که در مسائل فصل چهارم گذشت - به احتیاط واجب، و حکم جاهل نیز در آنجا بیان شد.

مسأله ۲۲۱: اگر سهواً از طواف کم کند پس اگر شوط چهارم را تمام کرده باشد اقوی آن است که از همانجا تمام کند طواف را، و در صورتی که فعل کثیر کرده باشد احتیاط مستحب اعاده است و اولی آن است که به نیت ما فی الذمه اعم از اتمام و اعاده طواف کند و در هردو صورت چنانچه نماز طواف را قبل از اتمام و یا اعاده انجام داده باشد باید آن را نیز اعاده کند.

مسأله ۲۲۲: اگر سهواً کم کرده و شوط چهارم را تمام نکرده باشد، اگر فعل کثیر انجام نداده باشد که موالات فوت شود اعاده لازم نیست و اتمام کافی است و در فرض فوت موالات طواف را اعاده می کند و اولی آن است که به قصد ما فی الذمه اعم از اتمام و اعاده طواف کند.

مسأله ۲۲۳: اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از مراجعت به وطن خود احتیاط آن است که خودش برگردد و اگر نتوانست یا مشکل بود مراجعت نایب بگیرد و احوط آن است که حتی اگر در طواف ناقص شوط چهارم را هم تمام کرده بوده اعاده طواف به نیت ما فی الذمه اعم از اتمام و اعاده انجام داده شود.

مسأله ۲۲۴: در طواف واجب، قران جایز نیست یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد بدون آنکه بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، البته در صورتی که طواف واجب بعد

از طواف مستحب باشد قران در طواف واجب صادق نیست و اشکالی ندارد.

مسئله ۲۲۵: اگر سهواً یا با اعتقاد به صحت زیاد کند بر هفت دور پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است، به شرطی که قبل از فوت موالات ملتفت شود و اما اگر بعد از فوت موالات ملتفت شود که در طواف سهواً زیاد کرده است احوط اعاده طواف است.

مسئله ۲۲۶: اگر بدون عذر طواف را قطع کرد احتیاط مستحب آن است که اگر چهار دور بجا آورده باشد طواف را به نیت اعم از اعاده و اتمام اعاده کند و این در صورتی است که منافی بجا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه به هم بخورد و در صورت عدم فوت موالات اتمام کافی است و در هر دو صورت نماز طواف را اگر قبلاً خوانده باشد باید اعاده کند.

مسئله ۲۲۷: اگر در بین طواف واجب عذری برای اتمام آن پیدا شد مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده بعد از رفع عذر برگردد و از همانجا تمام کند و اگر قبل از آن بوده طواف را اعاده کند، و احتیاط مستحب آن است که به نیت اعم از اعاده یا اتمام اعاده نماید. و اما طواف مستحب در فرض فوت موالات نیز می تواند اکتفا به اتمام کند مطلقاً.

مسئله ۲۲۸: اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، و پس از اتمام نماز، فوراً طواف را تمام کند هرچند قبل از چهار دور رها کرده باشد.

مسئله ۲۲۹: اگر بعد از تمام شدن طواف وانصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیادتراً از هفت دور بجا آورده یا نه یا شک کند کمتر بجا آورده یا نه اعتنا نکند و طوافش صحیح است، لکن در صورت دوم خالی از اشکال نیست و احتیاط ترک نشود اگر داخل در نماز طواف نشده باشد و یا موالات فوت نشده باشد.

مسئله ۲۳۰: اگر بعد از طواف شک کند که صحیح بجا آورده آن را یا نه، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل عليه السلام طواف کرده اعتنا نکند و طوافش صحیح است اگرچه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی زیاده و نقیصه.

مسئله ۲۳۱: اگر در آخر دور که به حجر الاسود ختم شد شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتراً اعتنا به شک نکند و طوافش صحیح است.

مسئله ۲۳۲: اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور شک کند که آنچه را دور می زند دور هفتم است یا هشتم طوافش

باطل است ولیکن اگر آن دور را تمام کند و سپس یقین کند که هفت دور بوده است طوافش صحیح است و همچنین است اگر قبل از اتمام آن دور یقین کند که دوری که در دست دارد هشتم است و آن را قطع کند.

مسئله ۲۳۳: اگر در آخر دور یا اثناء آن شک کند میان شش و هفت و هرچه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است به جز در دو صورت: ۱- آن که در صورت دوران بین شش و هفت بنا را بر شش گذاشته و یک دور دیگر انجام داده باشد و جاهل از حکم مسئله به وجوب اعاده باشد تا وقت اعاده بگذرد که در این صورت طوافش صحیح است و اعاده ندارد. ۲- در تمام صور شک در نقیصه و یا شک در نقیصه و زیاده چنانچه پس از شک و فراغ از طواف یقین پیدا کند که آنچه انجام داده است هفت دور بوده است نه کمتر و نه بیشتر که در صورت حصول این یقین اعاده طواف لازم نمی باشد.

مسئله ۲۳۴: اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنابر اقل گذارد، و طوافش صحیح است.

مسئله ۲۳۵: شخص کثیر الشک در عدد دورها اعتناء به شکش نکند و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

مسئله ۲۳۶: اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف بجا نیاورده باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند.

مسئله ۲۳۷: اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمه سعی را به جا آورد و طواف و سعی صحیح است، لکن اگر کمتر از چهار دور به جا آورده طواف را باید اعاده کند و احتیاطاً مستحب آن است که به نیت اعم از اعاده یا اتمام اعاده نماید و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده باید سعی را اعاده کند و احوط آن است که به نیت اعم از اعاده یا اتمام اعاده کند.

مسئله ۲۳۸: اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلاً طواف را بی وضو به جا آورد طوافش باطل است و همین طور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس به جا آورد.

مسئله ۲۳۹: اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هردو صحیح است.

مسئله ۲۴۰: در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

مسئله ۲۴۱: واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند و می تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد از همانجا اتمام کند.

مسأله ۲۴۲: جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشینند یا دراز بکشند و بعد از همانجا اتمام کند، ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد و اگر آن قدر نشست اعاده کافی است و اولی اعاده به نیت اعم از اتمام و اعاده است.

مسأله ۲۴۳: بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه‌شان به هم می‌خورد؛ به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می‌بینند، اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض دارد و گرنه باید به وظایف مستحاضه عمل کنند.

مسأله ۲۴۴: زنی که از عادت ماهانه یا نفاس پاک می‌شود لازم است برای طواف غسل کند، و چنانچه نتواند غسل کند و از توانایی بعدی نیز مأیوس باشد، باید با تیمم طواف کند، و احتیاط مستحب این است که نایب هم بگیرد، و چنانچه توانایی تیمم ندارد، و از حصول توانایی نیز مأیوس باشد، واجب است نایب بگیرد.

مسأله ۲۴۵: اگر زن در حال احرام و حین انجام طواف عادت ماهانه ببیند، اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و باید صبر کند تا پاک شود و طواف و اعمال بعدی را انجام دهد، و اگر کاروان منتظر او نمی‌ماند تا پس از پاکی اعمال خود را شخصاً انجام دهد، می‌تواند برای طواف و نماز آن نایب بگیرد،

سپس خود سعی و تقصیر را انجام دهد و برای طواف نساء و نمازش نایب بگیرد، و اگر بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد مقداری که انجام داده صحیح است و باقی آن را باید بعد از پاک شدن از حیض و انجام غسل بجا آورد.

حائض شدن پس از طواف و پیش از نماز آن

مسأله ۲۴۶: اگر زن بعد از طواف و قبل از خواندن نماز آن عادت شود طوافش صحیح است، و پس از تمام شدن عادت و غسل نمودن باید نماز طواف را بخواند. و چنانچه وقت او تنگ است کسی در نماز از او نیابت کند سپس خودش سعی و تقصیر را انجام داده و دوباره برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد.

پی بردن به حیض پس از نماز طواف

مسأله ۲۴۷: اگر زن طواف را انجام دهد و نمازش را بخواند، سپس احساس کند که عادت شده است، و نداند که شروع عادت قبل از طواف یا در حین انجام آن و یا قبل از نمازش و یا در حین خواندن آن بوده و یا آنکه بعد از نماز عادت شده، طواف و نماز او صحیح است.

وظیفه مستحاضه

مسأله ۲۴۸: زنی که خون استحاضه ببیند، احتیاط این است که اگر استحاضه‌اش قلیله باشد، برای طواف وضو بگیرد و برای نماز

آن وضوی دیگری بگیرد، و اگر متوسطه باشد، باید یک غسل برای طواف و نماز آن انجام دهد و برای هر یک از آن دو یک وضو بگیرد، و اگر کثیره باشد، باید برای هر یک از آن دو یک غسل انجام دهد و به همان اکتفا نماید و نیازی به وضو ندارد و اگر کاری که وضو را باطل می‌کند از او سر زده باشد، احتیاطاً مستحب آن است که وضو نیز بگیرد.

حائض شدن پیش از طواف نساء یا در اثنای انجام آن

مسأله ۲۴۹: اگر برای زن عادت ماهانه پیش آید، و همسفران منتظر پاک شدنش نمانند، و نتواند از آنها جدا شود، جایز است طواف نساء را ترک کند و با همسفران برگردد، و احتیاطاً در این صورت این است که جهت طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد.

و در صورتی که پیش آمدن عادت بعد از تمام نمودن شوط چهارم طواف نساء باشد، جایز است باقی مانده شوطها را ترک کند و با همسفرانش برگردد، و احتیاطاً این است که جهت باقیمانده طواف و نماز آن نایب بگیرد.

مسأله ۲۵۰: زنی که در حال طواف، مستحاضه قلیله می‌شود اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند و اگر قبلاً بوده، به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر اعاده نماید.

مسأله ۲۵۱: زن مستحاضه‌ای که بعد از غسل و وضو مشغول طواف می‌شود، در اثناء طواف خون ببیند، اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده، با تحفظ از خروج خون، چیزی بر او نیست و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد.

مسأله ۲۵۲: زنی که به تصور اینکه پاک شده است، طواف انجام بدهد و در اثناء سعی متوجه بشود که هنوز پاک نشده است، در فرض اول سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز را اعاده کند و احتیاط آن است که پس از اعاده طواف و نماز، سعی را اتمام و اعاده نماید و در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز لازم و اعاده سعی مبنی بر احتیاط است.

آداب و مستحبات طواف

مسأله ۲۵۳: در حال طواف، مستحب است بگوید:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلْلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا).

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بطلبید.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

(اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي).

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می رسد و بخواند این دعا را:

(سَائِلُكَ، فَفِيكَ، مِسْكِينُكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اَللّٰهُمَّ الْبَيْتُ
بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ
مِنَ النَّارِ فَاعْتِقْنِي وَوَالِدِيْ وَأَهْلِيْ وَوَلَدِيْ وَإِخْوَانِي الْمُوْمِنِيْنَ مِنَ النَّارِ يَا
جَوَادُ يَا كَرِيْمُ).

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند
و بگوید:

(اللّٰهُمَّ اَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَاَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ
وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَاذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْأَنْسِ وَشَرَّ
فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ).

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

(يَا ذَا اَلْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُوْدِ وَالْكَرَمِ اِنَّ عَمَلِيْ ضَعِيْفٌ فَضَاعِفُهُ لِي
وَتَقَبَّلُهُ مِنِّي اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ).

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

(يَا اَللّٰهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقِ الْعَافِيَةِ وَرَازِقِ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمِ بِالْعَافِيَةِ
وَالْمَنَانُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَّفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلِي جَمِيْعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيْمَهُمَا صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ
وَقَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشَكَرَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ).

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا
وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا، اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خَيْرَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ).

و چون میان رکن یمانی و حجرالأسود برسد، بگوید:

(رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ).

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

(اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ).

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

(اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرَّوْحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ
فَضَاعِفُهُ لِي وَاعْفِرْ لِي مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ
مِنَ النَّارِ).

و آنچه خواهد دعا کند و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجرالأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

(اللَّهُمَّ فَتَعْنِي مَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي).

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجرالأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:

(أمانتي أذيتها وميثاقي تعاهدته لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ).

نماز طواف

مسأله ۲۵۴: واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز بخواند مثل نماز صبح.

مسأله ۲۵۵: جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر.

مسأله ۲۵۶: شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است و باید اعاده کند و بعید نیست اعتبار ظن در رکعات و ظن در افعال حکم شک را دارد و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است.

مسأله ۲۵۷: احوط آن است که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود بجا آورد.

مسأله ۲۵۸: واجب است که این نماز در طواف واجب نزد مقام ابراهیم واقع شود و کافی است صدق نماز خلف مقام یا نزد آن بکند و بهتر آن است که هرچه ممکن باشد نزدیک تر بایستد، لکن نه به طوری که مزاحمت با سایرین کند.

مسئله ۲۵۹: جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواهد بجا آورد، اگرچه در حال اختیار، بلکه گفته اند که آن را می تواند عمداً ترک کند.

مسئله ۲۶۰: اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم بجا آورد و به همان دستوری که در مسئله ۴۷۱ بعد مناسک حج ذکر شده عمل نماید.

مسئله ۲۶۱: اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بین صفا و مروه یادش بیاید، از همانجا سعی را رها کند و برگردد، دو رکعت نماز را بخواند، بعد از آن، سعی را از همانجا تمام کند.

مسئله ۲۶۲: شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند، عمل کرده، اعاده آنها ظاهراً لازم نباشد، اگرچه احتیاط استحبابی در اعاده است.

مسئله ۲۶۳: اگر برگشتن به مسجد الحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده، باید هر جا یادش آمد نماز را بجا آورد، اگرچه در شهر دیگر باشد.

مسئله ۲۶۴: واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را به طور صحیح بجا آورد، خصوصاً کسی که می خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند، چون بعضی گفته اند اگر نماز او درست نباشد عمره او باطل است.

مسأله ۲۶۵: اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می تواند خودش بجا آورد و کافی است و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادلّی اقتدا کند، لکن اکتفا به نماز جماعت نکند؛ چنانچه نایب گرفتن نیز کافی نیست.

مستحبات نماز طواف

مسأله ۲۶۶: در نماز طواف، مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحدرا بخواند و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:

(اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعَمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي).

و در روایت دیگر است:

(اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ ﷺ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَى حُدُودَكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ).

و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

(سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعَبُّدًا وَرِقًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَذَا إِذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرَكَ فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرَكَ).

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته است.

سعی و بعض احکام آن

مسئله ۲۶۷: واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند؛ به این معنا که از صفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است.

مسئله ۲۶۸: واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، و اگر از مروه شروع کند، هر وقت فهمید باید اعاده کند و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند.

مسئله ۲۶۹: در سعی مابین صفا و مروه جایز است سواره و بر روی محمل، چه در حال اختیار و چه با عذر لکن راه رفتن افضل است.

مسئله ۲۷۰: طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی معتبر نیست، گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.

مسئله ۲۷۱: واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن بجا آورد و اگر عمداً پیش از آنها بجا آورد باید بعد از طواف و نماز، آن را اعاده کند.

مسأله ۲۷۲: واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد یعنی صدق سعی میان صفا و مروه عرفاً لازم است نه اینکه به جای دیگری برود و از آنجا به صفا و یا مروه برود پس اگر از راه غیر متعارف به صفا برود یا به مروه، سعیش باطل است.

مسأله ۲۷۳: اگر بین صفا و مروه را دو طبقه یا چند طبقه کنند و تمام طبقات (چه در زمین و چه زیر زمین) بین دو کوه باشد، از هر طبقه جایز است سعی کند.

مسأله ۲۷۴: واجب است در وقت رفتن به طرف مروه، متوجه به آنجا و وقت رفتن رو به صفا متوجه به آن باشد. پس اگر عقب عقب برود یا پهلو را به طرف صفا یا مروه کند و برود باطل است، لکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد.

مسأله ۲۷۵: جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه و همین طور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی و لازم نیست عذری داشته باشد و بنا بر احتیاط باید به مقداری باشد که موالات عرفیه به هم نخورد.

مسأله ۲۷۶: اگر از روی فراموشی و یا از روی جهل با اعتقاد صحت عمل زیاد کند بر سعی؛ چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر، سعی او صحیح است و بهتر آن است که زاید را رها کند، گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند.

مسئله ۲۷۷: اگر سعی را کم کند سهواً یا از روی جهل با اعتقاد به صحت عمل احتیاط واجب است آن را اتمام کند هر وقت یادش بیاید و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد، باید مراجعت کند و اگر نمی تواند یا مشقت دارد باید نایب بگیرد و در این صورت خود و یا نایب او بنا بر احتیاط سعی را به نیت اعم از اعاده و اتمام اعاد کند.

مسئله ۲۷۸: اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد بیاورد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد و اگر بعد از تمام کردن یک مرتبه یا بیشتر فراموش کرد به هفت مرتبه برساند جایز است از همانجا سعی را تمام کند، لکن احتیاط آن است که اگر چهار مرتبه را تمام نکرده، تمام کند و از سر بگیرد.

مسئله ۲۷۹: اگر شک کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر اعتنا نکند، و اگر شک کند بعد از آنکه از عمل فارغ شد و منصرف شد، اگر شک در زیاده کند اعتنا نکند و اگر شک در نقیصه داشته باشد اظهار این است که باید به این شک اعتنا شود، و سعی را اعاده کند زیرا که شک در عدد اشواط همانند طواف سعی را باطل می کند مگر یقین کند که هفت بار بدون زیاده و یا نقیصه سعی کرده است.

مسئله ۲۸۰: اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری شک در درست آوردن آن کند اعتنا نکند و سعیش صحیح است و همین

طور اگر در بین رفت و آمد، شک در صحیح بجا آوردن جزء پیش کند، اعتنا نکند.

مسأله ۲۸۱: اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیادتراً؛ مثل اینکه شک کند بین هفت و نه اعتنا نکند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفت است یا کمتر، ظاهراً سعی او باطل است و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد؛ مثل شک بین یک و سه یا دو و چهار و هکذا.

مستحبات سعی

مسأله ۲۸۲: مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی، به نزد چاه زمزم رفته یک یا دو دلو آب بکشد و آن را بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

(اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ).

پس از آن، بنزد حجرالأسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالأسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالأسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و نعمتهای الهی را به خاطر بیاورد، آنگاه این اذکار را بگوید:

(اللَّهُ أَكْبَرُ) هفت مرتبه.

(أَلْحَمْدُ لِلَّهِ) هفت مرتبه.

(لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) هفت مرتبه.

(لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

(اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ) سه مرتبه.

پس بگوید:

(أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) سه مرتبه.

پس بگوید:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) سه مرتبه.

پس بگوید:

(اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) سه مرتبه.

پس بگوید:

(اللَّهُ أَكْبَرُ) صد مرتبه.

(لا إله إلا الله) صد مرتبه.

(الْحَمْدُ لِلَّهِ) صد مرتبه.

(سُبْحَانَ اللَّهِ) صد مرتبه.

پس بگوید:

(لا إله إلا الله وحده وحده، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ
وَحَدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحَدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِي مَا بَعْدَ
الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِمْنِي فِي ظِلِّ
عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ).

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به
خداوند عالم.

پس بگوید:

(أَسْتَوِدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ دَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي
وَأَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَأَعِزَّنِي
مِنَ الْفِتْنَةِ).

پس بگوید:

(اللَّهُ أَكْبَرُ) سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یکبار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد، هر قدر که می تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

(اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطًّا، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي وَإِنْ تُعَذِّبَنِي فَأَنْتَ عَنِّي عَنْ عَذَابِي وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، يَا، مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبَنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي أَصَبَحْتُ أَتَقِي عَذْلَكَ وَلَا أَخَافُ جَوْرَكَ يَا، مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي).

پس بگوید:

(يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفَعُ نَائِلُهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْرُنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ).

و در حدیث شریف وارد شده است: هرکس که بخوهد مال او زیاد شود، ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین می آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَصَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ).

پس از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

(يَا رَبِّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ الْعَفْوِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، أَرْدُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ).

و مستحب است پیاده سعی نماید و در مقداری از سعی که بین چراغهای سبز قرار گرفته مقداری تند رود و اگر سوار باشد این حد را فی الجمله تند نماید و از آنجا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و از برای زنها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می رسد به مناره میانه بگوید:

(بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ).

و همین که از محل گذشت بگوید:

(يا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالْتَعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ).

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و بجا آورد آنچه را که در صفا بجا آورد و بخواند دعاها را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:

(اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَغْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ).

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وا دارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَصِدْقِ النَّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ).

تقصیر و بعض احکام آن

مسأله ۲۸۳: واجب است بعد از آنکه سعی کرد تقصیر کند یعنی قدری از ناخنها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند و از موی قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی کند بلکه حرام است.

مسأله ۲۸۴: بعد از آنکه شخص محرم تقصیر کرد، حلال می - شود بر او بغیر از تراشیدن سر هرچه حرام شده بود بر او بواسطه احرام، حتی نزدیکی با زن.

مسأله ۲۸۵: در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان کوتاه کردن است به هر وسیله ای باشد و اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است و احوط در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است.

مسأله ۲۸۶: اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرد تقصیر را در هر جا می تواند انجام دهد و اعاده طواف نساء لازم نیست.

مسأله ۲۸۷: اگر کسی در اثناء سعی تقصیر نمود باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده کند، بلی اگر از روی نسیان یا جهل تقصیر کرده، اعاده تقصیر لازم نیست، ولکن اگر با همسر خود مواجهه کرده باشد یک گاو کفاره باید بدهد. و اگر از اول سعی قصد هفت شوط نداشته سعی اعاده دارد. البته قصد مذکور مؤثر نیست لکن در صورت علم و عمد کفاره قطع مو از بدن را باید بدهد و تقصیر را پس از تکمیل سعی اعاده کند، و چنانچه موالات عرفی میان دورهای باقیمانده سعی از بین رفته باشد اعاده سعی قبل از تقصیر نیز لازم است.

مسأله ۲۸۸: در عمره مفرده اگر کسی تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد در صورت جهل و سهو اعاده طواف لازم نیست و در صورت علم احوط اعاده طواف است.

طواف نساء

مسأله ۲۸۹: طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خنثی و خصی و بچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی شود و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی شود، بلکه طفل غیر ممیز، اگر ولی او را محرم کرد باید او را به احتیاط واجب طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.

مسأله ۲۹۰: جایز است طواف نساء را قبل از سعی بجا آورد در حال ضرورت، مثل ترس از حیض و نتوانستن اقامت به مکّه تا زمان پاکی، و احتیاط مستحب در آن است که نایب بگیرد که بعد از آن بجا آورد.

مسأله ۲۹۱: اگر سهواً طواف نساء را قبل از سعی بجا آورد یا به واسطه ندانستن حکم مقدم بدارد، طواف و سعیش صحیح است و احتیاط مستحب در اعاده طواف است.

مسأله ۲۹۲: اگر طواف نساء را سهواً بجا نیاورد تا برگشت از حج، پس اگر می‌تواند باید خودش برگردد و بجا بیاورد و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد و پس از بجا آوردن، زن به او حلال می‌شود.

مستحبات دیگر مکه معظمه

مسأله ۲۹۳: آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

- ۱- زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.
- ۲- ختم نمودن قرآن.
- ۳- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن، این دعا را بخواند:
(اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ).
و نیز بگوید: (بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرِ لِلَّهِ).
- ۴- نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.
- ۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن؛ در اول شب سه طواف، در آخر شب سه طواف، پس از دخول صبح دو طواف و بعد از ظهر دو طواف.

۶- هنگام توقف در مکه، به عدد ایام سال؛ یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسر نشد هر مقداری که بتواند.

۷- به خانه کعبه داخل شود؛ خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

(اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ).

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگذارد. در رکعت اول بعد از حمد، (حم سجده) و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه، و بعد از نماز این دعا را بخواند:

(اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَأَلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّئْتَنِي وَتَعَبَّيْتَنِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رَفْدِكَ وَنَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُضُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمِ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتَهُ وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حِجَّتَ لِي وَلَا عُذْرَ فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْبَلِنِي بِرَغْبَتِي وَلَا تَرُدَّنِي
مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَلَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ،
أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ).

و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»
بگویند، پس بگوید:

(اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الصَّارِ
النَّافِعُ).

بعداً پایین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال
نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

مسأله ۲۹۴: اعمال طواف مستحب مانند طواف واجب است ولی
در موارد زیر تفاوت دارد:

۱- در طواف مستحب وضو شرط نیست هرچند برای نماز طواف
باید وضو بگیرد.

۲- نماز طواف مستحب را در هر جایی از مسجد الحرام می‌توان
به جا آورد و لازم نیست پشت مقام ابراهیم باشد حتی در حال
اختیار.

۳- موالات در طواف مستحب لازم نیست و می‌تواند میان
شوط‌های آن جدایی بیندازد.

- ۴- قطع طواف نافله حتی بدون عذر و ضرورت جایز است ولی بنا بر احتیاط واجب نباید در غیر موارد ضرورت طواف واجب قطع شود.
- ۵- شک در نقصان دورهای طواف مستحب اشکالی ندارد و بنا را بر کمتر بگذارد.
- ۶- قران در طواف واجب جایز نیست یعنی نمی‌توان دو طواف را پشت سرهم بدون نماز انجام داد اما دو طواف مستحب جایز است.
- ۷- طواف مستحب وقت و تعداد معینی ندارد و در هر موقع از شب یا روز می‌توان انجام داد ولی هر طواف باید هفت دور باشد.
- ۸- در طواف مستحب لباس احرام لازم نیست.

مسأله ۲۹۵: بدان که برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را، در صورت امکان، استلام نماید و چون به مستحجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد بجا آورد و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجرالأسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر حَجَر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ

بِأَمْرِكَ وَأُوذِي فِي جَنبِكَ وَعَبْدَكَ حَتَّىٰ أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا
مُنْجَا مُسْتَجَابًا بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَاتِ
وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ).

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناتین، که مقابل
رکن شامی است، بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را
بطلبد و وقت بیرون رفتن یکدرهم خرما خریده و آن را بر فقرا
تصدق نماید.

مسائل متفرقه

مسأله ۲۹۶: در وقتی که در (مسجدالحرام) یا (مسجد النبی) نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.

مسأله ۲۹۷: سجده نمودن بر تمام اقسام سنگها؛ چه مرمر باشد یا سنگهای سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک، قبل از آنکه پخته شود جایز است و سنگهایی که در (مسجدالحرام) از این قبیل است سجده بر آنها اشکال ندارد و همینطور در (مسجد رسول الله ﷺ).

مسأله ۲۹۸: تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص به مسجدالحرام و مسجد النبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است، هرچند احتیاط اقتضای بر مسجد اصلی است پس در تمام مسجد فعلی مسافر می تواند نماز را تمام بخواند همانطور که می تواند شکسته بخواند.

مسئله ۲۹۹: کسی که در میقات یا محاذی آن یا جای دیگری که تکلیف اقتضا می کرد محرم شد نمی تواند احرام خود را به هم بزند و محل شود برای رفتن به مدینه منوره یا برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند، احرامش به هم نمی خورد و آنچه بواسطه احرام بر او حرام شده حلال نمی شود و اگر کاری که موجب کفاره است بجا آورد باید کفاره بدهد.

مسئله ۳۰۰: اگر بواسطه عذری؛ مثل مرض، نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد، باید در میقات یا محاذات آن نیت عمره و یا حج کند و لَبَّيْکَ بگوید و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند، و اگر لباس احرام نپوشیده بپوشد، و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید یک گوسفند قربانی کند.

مسئله ۳۰۱: کسی که از روی ندانستن مسئله یا نسیان از حکم یا موضوع یا غفلت، بعضی از محرمات احرام را ارتکاب نمود کفاره ندارد مگر صید که در هر صورت کفاره دارد، پس در غیر صید ارتکاب از روی عمد و علم موجب کفاره است.

مسئله ۳۰۲: اگر در حرم چیزی پیدا کرد، برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط در برداشتن است.

مسئله ۳۰۳: اگر «لقطه» حرم را برداشت و از یک درهم کمتر باشد می‌تواند قصد تملک آن را بکند و آن را مصرف کند و ضامن صاحبش نیست و چنانچه تملک نکرد و تفریط نکرد ضامن نیست، ولی اگر بدون تملک نگاه داشت و در نگاهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است، و اگر قصد تملک کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند به احتیاط واجب.

مسئله ۳۰۴: اگر لقطه را که در حرم برداشت یک درهم یا بیشتر ارزش داشت باید یک سال تعریف کند و از صاحبش جستجو کند، پس اگر نیافت او را بعد از یک سال، مخیراست بین دو امر: یکی آنکه آن را برای صاحبش حفظ کند، در این صورت اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست در صورت تلف. دوم آنکه برای صاحبش صدقه بدهد، لکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد و جایز نیست آن را تملک کند و اگر تملک کند مالک نمی‌شود و ضامن هم می‌شود.

مسئله ۳۰۵: در مسجد النبی ﷺ سجده کردن روی فرشهای مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند، به طوری که

متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لیکن تأکید می شود از عملی که موجب هتک و انگشت نما شدن باشد اجتناب نمایند.

مسئله ۳۰۶: اگر کسی نماز را در مسجد الحرام به نحو استداره خوانده است؛ به طوری که رو در روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است، این نماز احتیاج به اعاده ندارد.

مسئله ۳۰۷: حائض و جنب نمی توانند از مقدار توسعه یافته مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ عبور کنند.

مسئله ۳۰۸: کسی که خیال می کرد که بر سنگهای فرش شده در مسجد الحرام - زاده الله شرفاً - سجده صحیح نیست و بر پشت دست سجده می کرد است، نمازهایی که به این نحو خوانده صحیح نیست، مگر جاهل قاصر باشد.

مسئله ۳۰۹: مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی، که در بازار مسلمین به فروش می رسد اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد و اگر بدانند از بلاد کفر وارد می شود، در صورتی محکوم به حلیت است که وارد کننده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکیر آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است.

مسئله ۳۱۰: رعایت اتصال صفوف در نماز جماعت با اهل سنت لازم است بنابراین باید در صفی به امام اقتدا کرد که آن صف با امام جماعت اتصال دارد.

مسئله ۳۱۱: هرگاه رعایت اتصال صفوف جماعت مستلزم سجده بر فرش باشد باید اتصال را مراعات کند هرچند بر فرش سجده نماید.

مسئله ۳۱۲: نمازهایی که بر اثر ازدحام جمعیت در پشت بام مسجد الحرام یا مسجد النبی به جماعت برگزار می‌شود کافی نیست و باید اعاده گردد.

مسئله ۳۱۳: نماز جمعه با اهل سنت نیز کفایت از نماز ظهر می‌کند و اعاده آن لازم نمی‌باشد همینطور خواندن نماز قضا با نماز جماعت آنان مانعی ندارد.

مسئله ۳۱۴: کسانی که در ماه مبارک رمضان توفیق انجام عمره مفرده پیدا می‌کنند هرگاه جهت نماز اول وقت به مسجد الحرام یا مسجد النبی بروند و قبل از زوال حمره به آنها اصرار کنند که افطار نمایند مجاز هستند افطار کنند و روزه آنها صحیح است و نیازی به قضا ندارد.

ادعیه و زیارات مأثور

قسمت اول

زیارات

زیارت رسول الله ﷺ و کیفیت آن

آداب زیارت

کسی که می‌خواهد به زیارت رسول ﷺ خدا یا ائمه هدی ﷺ مشرف شود مستحب است غسل کند، ولباسهای پاک و پاکیزه بپوشد، تن کند، و قدمها را کوتاه بردارد، و با وقار و آرامش به طرف قبر رسول خدا ﷺ یا قبور ائمه بقیع ﷺ حرکت کند، و در وقت رفتن به این اماکن مقدس زبان خود را به ذکر و صلوات مشغول کند.

اذن دخول

(اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ،
 وَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا
 تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ
 هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ
 رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي،
 وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيَرُدُّونَ سَلَامِي، وَأَنْتَ حَاجِبٌ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ،
 وَقَفْتَحْتُ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ، وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلًا وَأَسْتَأْذِنُ
 رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا)

و اگر اذن دخول جهت حرم یکی از ائمه علیهم السلام باشد بعد از کلمه
 ثانیاً بگوید: (واستأذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ) نام آن
 امامی را ببرد که می‌خواهد او را زیارت کند و بقیه دعا را بخواند:

(وَالْمَلَائِكَةُ الْمُوَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا، أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ،
 أَدْخُلْ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا
 الْمَشْهَدِ، فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَدْنَتْ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَانِكَ،
 فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَانْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ)

پس ببوس عتبه مبارکه را و داخل شو و بگو:

(بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)

زیارت پیامبر اکرم ﷺ

(الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ
الرِّسَالَةَ، وَاَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَاَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ
الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى اَتَاكَ الْيَقِيْنُ، فَصَلَّوْا لِلَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ
وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِيْنَ)

پس رو به قبله که دوش چپ به جانب قبر باشد و دوش راست
به جانب منبر بایست، و بگو:

(اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ، وَاَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَاَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ
بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ
اللَّهَ حَتَّى اَتَاكَ الْيَقِيْنُ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَاَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ
الْحَقِّ، وَاَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ، وَعَلَّظْتَ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ، فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكَ
أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِيْنَ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اِسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ
وَالضَّلَالَةِ، اَللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ، وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِيْنَ، وَاَنْبِيَائِكَ
الْمُرْسَلِيْنَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِيْنَ، وَاَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِيْنَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ
وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،
اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَأَبْعَثْهُ مَقَاماً
مَحْمُوداً يَغِيْطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ
ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ
الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً﴾ وَإِنِّي آتَيْتُكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ
ذُنُوبِي، وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي).

سپس حاجت خود را بخواه، که ان شاء الله بر آورده می شود.

روایت است که حضرت صادق علیه السلام به نزد قبر حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله آمد و دست مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

(أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ)

پس فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً﴾

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام وداع

زمانی که خواستی از مدینه کوچ کنی، پس از انجام همه
کارهایت غسل کن و به طرف قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برو و آنچه را در
اول ورود انجام داده ای انجام بده و بگو:

(السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، اسْتَوْدِعَكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا جِئْتُ بِهِ وَدَلَّتْ عَلَيْهِ، اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

در محل دفن آن حضرت اختلاف است:

۱- بعضی گفته‌اند قبر آن حضرت در روضه که ما بین قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و منبر آن حضرت می‌باشد. و در روایت آمده از امام صادق علیه السلام که پیامبر فرمودند:

(بین قبر و منبر من باغی از باغهای بهشت است).

۲- بعضی دیگر گفته‌اند که آن حضرت در خانه خودشان دفن شدند.

۳- و برخی روایت کرده‌اند که آن حضرت در بقیع دفن شدند.

و کسی که آن معظّمه را زیارت کند در این سه موضع افضل است. و چون ایستادی در این مواضع از برای زیارت آن مظلومه، بگو:

(يا مُمْتَحَنُهُ اَمْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ اَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا اَمْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَرَعَمْنَا اَنَا لِكَ اَوْلِيَاءَ وَمُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا اَتَانَا بِهِ اَبُوكِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآتَى بِهِ وَصِيَّهُ، فَاِنَا نَسْأَلُكَ اِنْ كُنَّا صَدَقْنَاكَ اِلَّا اَلْحَقَّتِنَا بِتَصَدِيقِنَا لِهَمَّا لِنُبَشِّرَ اَنْفُسَنَا بِاَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ).

ونيز بگويد:

(اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُوْلِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيْلِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ اَمِيْنِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ اَفْضَلِ اَنْبِيَاءِ اللهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَايِكَتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ مِنَ الْاَوْلِيَيْنِ وَالْاٰخِرِيْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُوْلِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الصَّدِيْقَةُ الشَّهِيدَةُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْحَوْرَاءُ الْاِنْسِيَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُوْمَةُ الْمَعْصُوْبَةُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمُصْطَهَدَةُ الْمَفْهُوْرَةُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُوْلِ اللهِ وَرَحْمَةَ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوْحِكَ وَبَدَنِكَ).

أَشْهَدُ أَنَّكَ مَصِيْبَةٌ عَلَى بَيْنَتِهِ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِأَنَّكَ بِضَعَّةٍ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ.

أُشْهَدُ اللَّهُ وَرُسُلَهُ وَمَلَائِكَتَهُ أَيُّ رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَثُمَّناً.

پس صلوات می فرستی بر حضرت رسول و ائمه اطهار علیهم السلام.

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

ائمه بقیع عبارتند از:

۱- حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

۲- امام زین العابدین علیه السلام

۳- امام محمد باقر علیه السلام

۴- امام جعفر صادق علیه السلام

چون خواستی زیارت کنی این بزرگواران را آنچه در آداب زیارات ذکر شد بجا آور، و بگو:

(یا مَوَالِیَّ یا اَبْنَاءَ رَسُوْلِ اللهِ، عَبِدُكُمْ وَابْنُ اَمَتِكُمْ الدَّلِیْلُ بَیْنَ اَیْدِیْكُمْ، وَالمُضْعَفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَالمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ مُسْتَجِیْرًا بِكُمْ، قَاصِدًا اِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّبًا اِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلًا اِلَى اللهِ تَعَالَى بِكُمْ، اَدْخُلْ یا مَوَالِیَّ، اَدْخُلْ یا اَوْلِیَاءَ اللهِ، اَدْخُلْ یا مَلَائِكَةَ اللهِ المُحَدِّقِیْنَ بِهَذَا الحَرَمِ المُقِمِیْنَ بِهَذَا المَشْهَدِ).

و بعد از خشوع و خضوع و رقت، داخل شو و پای راست را مقدم دار و بگو:

(اللهُ اَكْبَرُ كَبِیْرًا، وَالحَمْدُ لِلّهِ كَثِیْرًا، وَسُبْحَانَ اللهِ بُكْرَةً وَاصِیْلًا، وَالحَمْدُ لِلّهِ الفَرْدِ الصَّمَدِ المَاجِدِ الاحِدِ المَتَفَضِّلِ المَنَانِ، المَتَطَوِّلِ الحَنَانِ الَّذِی مَنَّ بِطَوْلِهِ، وَسَهَّلَ زِیَارَةَ سَادَاتِی بِاحْسَانِهِ، وَكَمْ یَجْعَلُنِی عَن زِیَارَتِهِمْ مَمْنُوْعًا بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ).

پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو و پشت به قبله و رو به قبر ایشان کن و بگو:

(السَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَهْمَّةَ الهُدَى، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَیُّهَا الحُجَّجُ عَلٰی اَهْلِ الدُّنْیَا، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَیُّهَا القَوَامُ فِی البَرِیَّةِ بِالقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَل رَسُوْلِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَهْلَ النَّجْوَى، اَشْهَدُ اَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِی ذَاتِ اللهِ،

وَكُذِّبْتُمْ وَأُسيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ،
وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا،
وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ
يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ، وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ
تُدْنَسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَطَابَ
مَنْبَتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آذِنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ
وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، إِذِ
اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا، وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وِلَايَتِكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ
مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ بِتَصْدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا مَقَامٌ مَنْ أَسْرَفَ وَأَخْطَأَ
وَأَسْتَكَانَ وَأَقْرَبَ مَا جَنَى وَرَجَا بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ، وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ
الْهَلْكِ مِنَ الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَقَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ
أَهْلُ الدُّنْيَا، وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا (سپس رو به آسمان
كن و بگو: يا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ
لَكَ الْمَنْ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَعَرَّفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ،
وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ
عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَّصْتَهُمْ بِمَا خَصَّصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي
مَقَامِي هَذَا مَذْكَورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَلَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا
دَعَوْتُ، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ).

زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ

ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ بود از ماریه قبطیه، که پیغمبر اکرم ﷺ به او خیلی علاقه داشت تا اینکه در حدود دو سالگی از دنیا رفت و در قبرستان بقیع دفن شد.

زیارت آن حضرت بدین نحو است:

(اَلسَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی نَبِيِّ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی حَبِيبِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی صَفِيِّ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی نَجِيِّ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ سَيِّدِ الْاَنْبِيَاءِ، وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَيْرَةِ اللهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي اَرْضِهِ وَسَمَائِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی جَمِيعِ اَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی الشُّهَدَاءِ وَالسُّعْدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلٰى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ اَيَّتْهَا الرُّوحُ الزَّكِيَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ اَيَّتْهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ اَيَّتْهَا السَّلَامَةُ الطَّاهِرَةُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ اَيَّتْهَا النَّسَمَةُ الزَّكِيَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى، اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى، اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ الْمُبْعُوْثِ اِلٰى كَافَّةِ الْوَرَى.

اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ الْبَشِيْرِ النَّذِيْرِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ السَّرَاجِ الْمُنِيْرِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ الْمُوَيَّدِ بِالْقُرْآنِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ الْمُرْسَلِ اِلَى الْاِنْسِ وَالْجَانِّ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَالْعَلَامَةِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ الشُّفِيْعِ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدِ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ اِنْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ
يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ، فَتَقَلِّكَ إِلَيْهِ طَيِّبًا زَاكِيًّا مَرْضِيًّا طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ،
مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ، وَبَوَّأَكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى، وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى،
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً تَقَرُّ بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ، وَتُبَلِّغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ، اللَّهُمَّ
اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا، وَأَمَى بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا، عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ
وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدَ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ
الطَّيِّبِينَ، وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عَتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ، وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ، أَنْ تَجْعَلَ
سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً وَعَاقِبَتِي بِهِمْ
حَمِيدَةً وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً، وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً، وَأُمُورِي بِهِمْ
مَسْعُودَةً، وَشُؤُونِي بِهِمْ مَحْمُودَةً، اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ، وَنَفْسَ عَنِّي
كُلَّ هَمٍّ وَضِيقٍ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ، وَأَمْنَحْنِي ثَوَابَكَ، وَأَسْكِنِّي جَنَّاتَكَ،
وَأَرْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ، وَأَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدَيَّ وَوَلَدَيَّ
وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ
الصَّالِحَاتِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ).

پس از خواندن زیارت حاجات خودرا طلب کن.

زيارت فاطمه بنت اسد

(مادر حضرت أمير المؤمنين علي عليه السلام)

(السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَخْرِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ الْهَاشِمِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّادِقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَرَبَّيْتُهَا لَوْلَى اللَّهِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكِفَالَهَ، وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَبَالَعْتِ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةً بِنُبُوَّتِهِ، مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ، كَافِلَةً بِتَرْبِيَّتِهِ، مُشْفِقَةً عَلَى نَفْسِهِ، وَاقِفَةً عَلَى خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَةً رِضَاهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى الْإِيْمَانِ وَالْتِمَسُكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً طَاهِرَةً زَكِيَّةً تَقِيَّةً نَقِيَّةً، فَرَضِي اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنَزَلِكَ وَمَأْوَاكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْفَعْنِي

بِزِيَارَتِهَا، وَتَبَّتْنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا، وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا، وَشَفَاعَةَ الْأُمَّةِ مِنْ دُرِّيَّتِهَا، وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا، وَارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا، وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ، إِغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ).

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام هنگام وداع

(الْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، اسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَیْكُمْ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ، وَمَا جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَلْتُمْ عَلَیْهِ، اللَّهُمَّ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ).

پس بسیار دعا کن و از خدا بخواه که بار دیگر تو را به زیارت ایشان برگرداند.

زیارت حضرت حمزه سید الشهداء

(الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَسَدَ اللَّهِ وَاَسَدَ رَسُوْلِهِ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ

جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، ابْتَغِي بِي زيارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ دُنُوبِي الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَزَعَا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي.

أَتَيْتَكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ طَالِبًا فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ أَوْفَرْتَ ظَهْرِي دُنُوبِي، وَأَتَيْتُ مَا أَسْحَطَ رَبِّي، وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْرَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فُقْرِي وَحَاجَتِي، فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَأَتَيْتَكَ مَكْرُوبًا، وَسَكَبْتُ عَرَبِيَّ عِنْدَكَ بَاكِيًا، وَصِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا، وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ، وَحَتَّنِي عَلَى بَرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ، وَرَعَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَالْهَمَنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ آتَاهُمْ، وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ وَلَا يَسْعُدُ مَنْ عَادَاهُمْ).

زيارت قبور شهدای احد

(الَسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، الَسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، الَسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، الَسَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، الَسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، الَسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ، الَسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا

أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ
فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ، وَأَصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ،
وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَدَبَّيْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ
نَبِيِّهِ، وَجَدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَتَلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ،
فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَعَرَفْنَا وُجُوهَكُمْ
فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ، وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ، مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ
وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ، وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ، وَأَنَّكُمْ لِمَنْ
الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ
لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، آتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا،
وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا، وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا، وَمِمَّا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ
وَمَرْضِي الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَى مَنْ
قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَعَظْبُهُ وَسَخَطُهُ، اَللَّهُمَّ اِنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ، وَتَبَّنِي عَلَى
قَصْدِهِمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ
دَارِ رَحْمَتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ بِكُمْ لِاحِقُونَ).

زیارت امین الله

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام به سندهای معتبر روایت شده هنگامی که امام زین العابدین علیه السلام به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام آمد، نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست، و این زیارت را خواند.

لازم به تذکر است که این زیارت اگر برای غیر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام خوانده شود، (السلام عليك يا أمير المؤمنين) در آن گفته نمی شود.

(السلام عليك يا أمين الله في أرضه وحجته على عباده السلام عليك يا أمير المؤمنين أشهد أنك جاهدت في الله حق جهاد و عملت بكتابيه و اتبعت سنن نبيه صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله إلى جواره فقبضك إليه باختياره و ألزم أعدائك الحجة مع مالك من الصبح البالغ على جميع خلقه اللهم فاجعل نفسي مطمئنة بقدرك راضية بقضائك مولعة بذكرك و دعائك محبة لصفوة أوليائك محبوبة في أرضك و سمائك صابرة على نزل بلائك شاكرة لقواضل نعمائك ذاكرة لسوايح آلائك مشتاقاة إلى فرحة لقائك متزودة التقوى ليوم جزائك مستننة بسنن أوليائك مفارقة لإخلاق أعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك و ثنائك).

سپس امام زین العابدین علیه السلام صورت مبارک خود را بر قبر گذاشت و فرمود:

(اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْبَةُ وَسُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ
وَأَعْلَامُ الْقاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَأَفْئِدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَارِغَةٌ وَأَصْوَاتُ
الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ وَدَعْوَةٌ مِنْ نَاجِكَ
مُسْتَجَابَةٌ وَتَوْبَةٌ مِنْ أَنَابِ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةٌ مِنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ
وَالْإِعَانَةُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُوءَةٌ وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةٌ وَرَكْلٌ مِنْ اسْتِقَالَكَ مُقَالَةٌ وَأَعْمَالُ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ
مَحْفُوظَةٌ وَأَرْزَاقُكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ
وَاصِلَةٌ وَدُنُوبُ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَحَوَائِجُ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ
وَجَوَائِزُ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوفَّرَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَمَوَائِدُ
الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَمَنَاهِلُ الظَّمَاءِ مُتَرَعَّةٌ اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ
تَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي وَمُنْتَهَى مَنَائِي وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ).

و در کتاب کامل الزیاره بعد از این زیارت این فقرات نیز مسطور است:

(أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ اغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا وَكُفِّ عَنَّا أَعْدَائِنَا
وَأَشْغَلْهُمْ عَنَّا وَأَذَانَا وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ
الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).

پس حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: (که هر کس از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر امیر المؤمنین علیه السلام یا نزد قبر یکی از ائمه علیهم السلام بخواند البته خداوند سبحان این زیارت و دعای او را در نامه‌ای از نور بالا برد، و مهر حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بر آن بزند، و چنین محفوظ باشد تا به قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف تسلیم کنند، پس صاحبش را به بشارت و تحیّات و کرامت استقبال نماید.

زیارت جامعه کبیره

(أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ).

با حال غسل داخل حرم شو، و پس از گفتن صد مرتبه (الله اکبر) بگو:

(السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْطِ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَخَزَانِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْجَلْمِ، وَأُصُولِ الْكَرَمِ، وَقَادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيَاءِ النَّعْمِ، وَعَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ، وَسَاسَةَ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانِ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابِ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ، وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِثْرَةَ خَيْرِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ).

السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التَّقَى، وَدَوَى النُّهَى،
 وَأُولَى الْحِجَى، وَكَهْفِ الْوَرَى، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى، وَالِدَعْوَةِ
 الْحُسْنَى، وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ،
 السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ، وَمَعَادِينِ حِكْمَةِ اللَّهِ،
 وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، وَالْأَدْلَاءِ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقْرِينَ فِي
 أَمْرِ اللَّهِ، وَالْتَامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ
 لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ
 يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْإِيْمَةِ الدُّعَاةِ، وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ،
 وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ، وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولَى الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ
 وَخَيْرِيَّةِ وَجْزِيَّةِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ
 وَبَرَكَاتِهِ.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ
 وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ،
 وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى
 وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ
 الْإِيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمُعْصَمُونَ الْمُكْرَمُونَ الْمُقْرَبُونَ الْمُتَّقُونَ
 الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ،
 الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ.

اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ، وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ،
 وَاعَزَّكُمْ بِبُهْدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَايَّدَكُمْ بِرُوحِهِ،
 وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي اَرْضِهِ، وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَانْصَارًا لِدِينِهِ، وَحَفِظَةً
 لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ، وَتَرَاجِمَةً لِرُوحِهِ، وَارْكَانًا
 لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَاعْلَامًا لِعِبَادِهِ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ، وَادِلَاءَ عَلَى
 صِرَاطِهِ، عَصَمَكُمْ اللهُ مِنَ الرَّزْلِ، وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ،
 وَادَّهَبَ عَنْكُمْ الرَّجَسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا.

فَعَظَمْتُمْ جَلَالَهُ، وَكَبَّرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَادَّمَنْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ
 مِيثَاقَهُ، وَاحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ
 إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ،
 وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنَبِهِ، وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتُمْ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمْ
 بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَعْلَنْتُمْ
 دَعْوَتَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ، وَسَنَنْتُمْ
 سُنَّتَهُ، وَصَبَرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ، وَصَدَّقْتُمْ مِنْ
 رُسُلِهِ مَنْ مَضَى، فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ، وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ، وَالْمُقَصَّرُ فِي
 حَقِّكُمْ زَاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ،
 وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَقَفْصُ
 الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ، وَأَيَاتُ اللهِ لَدَيْكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ
 عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللهُ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللهُ،
 وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللهُ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللهُ، وَمَنْ اعْتَصَمَ

بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَشَهِدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَالْأَيَةُ الْمُخْرُوجَةُ، وَالْأَمَانَةُ الْمُحْفَظَةُ، وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ، مَنْ آتَاكُمْ نَجَا، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَدْلُونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ، سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَارَ مَنْ تَمَسَّكُمْ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ لَجَا إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ، مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ، وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ، وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْجَحِيمِ.

أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى، وَجَارٌ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ، وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْرَشِهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آدَمَ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وِلَايَتِكُمْ طَيِّبًا لِخَلْقِنَا، وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا، وَتَزَكِيَةً لَنَا، وَكَفَارَةً لِدُنُوبِنَا، فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا صَدِيقٌ وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ، وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ، وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ

ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ، وَعَظَمَ خَطْرِكُمْ، وَكَبَرَ شَأْنِكُمْ وَهَمَامَ نُورِكُمْ، وَصَدَقَ مَقَاعِدِكُمْ، وَتَبَّاتَ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلَّتِكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ، وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ.

يَا أَيُّهَا أَنْتُمْ وَأُمَّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأَسْرَقِي أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ وَلَاوِيَائِكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ، سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَكُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِدِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرِجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِذَوَلَّتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ، لَانِدٌ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَمُتَقَرَّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمُقَدِّمٌكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَأَوْلِيَكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَمَقْوُوضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ، وَيَرُدُّكُمْ فِي أَيَّامِهِ، وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيُحْكِمَكُمْ فِي أَرْضِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ، آمَنْتُ بِكُمْ وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلِيَكُمْ، وَبَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنْ الْجِنِّ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ، الْجَا حِدِينَ لِحَقِّكُمْ، وَالْمَارِقِينَ مِنْ وِلَايَتِكُمْ، وَالْغَاصِبِينَ لِإِرْتِكُمْ الشَّاكِينَ فِيكُمْ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ وَبِجَّةٍ دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ، وَمِنْ

الْإِمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، فَتَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مَوْلَاتِكُمْ
وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ، وَوَفَّقَنِي لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِنْ
خِيَارِ مَوَالِيكُمُ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَفْتَضُّ آثَارَكُمْ،
وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي بِهَدَاكُمُ وَيَحْشُرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَيَكْرِ فِي رَجْعَتِكُمْ،
وَيَهْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ، وَيُشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيُكَنَّ فِي أَيَّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ
عَدَا بُرُؤِيَّتِكُمْ.

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَا بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ
قَبْلَ عَنَّاكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِي لَا أَحْصَى ثَنَائِكُمْ وَلَا أْبْلَغُ مِنْ
الْمُدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنْ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَهَدَاهُ الْأَبْرَارِ
وَحُجَّجِ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ، وَبِكُمْ يُنْزِلُ الْعَيْثَ، وَبِكُمْ
يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَيَكْشَفُ
الضَّرَّ، وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَإِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ
الرُّوحُ الْأَمِينُ.

و اگر زیارت امیر المؤمنین علیه السلام باشد بجای: (وَالِي جَدُّكُمْ بُعِثَ
الرُّوحُ الْأَمِينُ) بگو (وَالِي أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ).

سپس ادامه بده و بگو:

آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطَا كُلَّ شَرِيفٍ لَشَرَفِكُمْ،
وَبَخَعَ كُلَّ مُتَكَبِّرٍ لِمَطَاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلَّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلَّ شَيْءٍ لَكُمْ،
وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَارَزَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلَّكَ إِلَى الرُّضْوَانِ،

وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَايَتَكُمْ عَصَبَ الرَّحْمَنِ، يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي
وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ، وَأَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي
الْأَجْسَادِ، وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ، وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ،
وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا أَحَلَى أَسْمَائِكُمْ وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ،
وَأَجَلَّ خَطْرَكُمْ، وَأَوْفَى عَهْدَكُمْ، وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ، كَلَامَكُمْ نُورٌ وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ
وَوَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى، وَفِعْلُكُمْ الْخَيْرُ، وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ، وَسَجِيَّتُكُمْ الْكِرَامُ،
وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَالصَّدْقُ وَالرَّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ
وَحَزْمٌ، إِنْ ذَكَرَ الْخَيْرَ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَأَصْلَهُ وَقَرَعَهُ وَمَعَدِنَهُ وَمَاوِيَهُ وَمُنْتَهَاهُ،
يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ، وَأُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ،
وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ وَقَرَّجَ عَنَا عَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَدَنَا مِنْ شَفَا
جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ، يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي مِمَّا لَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ
مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَمِمَّا لَاتِكُمْ مَمَّتِ الْكَلِمَةُ،
وَعَظَمَتِ النِّعْمَةُ، وَأَثَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَمِمَّا لَاتِكُمْ تَقَبَّلَ الطَّاعَةَ الْمُمْتَرِضَةَ،
وَلَكُمْ الْمَوَدَّةَ الْوَاجِبَةَ، وَالذَّرَجَاتِ الرَّفِيعَةَ، وَالْمَقَامَ الْمَحْمُودَ، وَالْمَكَانَ
الْمَعْلُومَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالْجَاهَ الْعَظِيمَ، وَالشَّأْنَ الْكَبِيرَ، وَالشَّفَاعَةَ
الْمَقْبُولَةَ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ،
﴿ رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴾،
سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لِمَفْعُولٍ، يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ
عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ اتَّتَمَّتْكُمْ عَلَى سِرِّهِ
وَاسْتَرَعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ

شَفَعَائِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَةِ الْإِبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شَفَعَائِي، فَبِحَقِّهِمْ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ، وَفِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ).

ادعیه

دعای عالیة المضامین
دعای کمیل

دعای عالیة المضامین

این دعائی است با مضامین عالیہ کہ بعد از زیارت ہر یک از ائمہ علیہم السلام خواندہ می شود؛ و این دعا را سید ابن طاوس در مصباح الزائر بعد از زیارت جامعہ نقل فرمودہ، و آن دعای شریف این است:

(اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْإِمَامَ مُقِرّاً بِإِمَامَتِهِ مُعْتَقِداً لِفَرَضِ طَاعَتِهِ فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَمُؤَبِقَاتِ آثَامِي وَكَثْرَةِ سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ وَمَا تَعَرَّفْتُ مِنِّْي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ مُسْتَعِيداً بِحِلْمِكَ رَاجِئاً رَحْمَتَكَ لِاجْتِنَاءِ إِلَى رُكْنِكَ عَائِداً بِرَأْفَتِكَ مُسْتَشْفِعاً بِوَلِيَّتِكَ وَابْنِ أَوْلِيَاءِكَ).

ہر گاہ این دعا بعد از زیارت حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام باشد عوض کلمہ (وَابْنِ) در تمام چہار موضع (وَآبِی) گوید.

(وَصَفِيكَ وَابْنَ أَصْفِيائِكَ وَأَمِينِكَ وَابْنَ أَمْنَائِكَ وَخَلِيفَتِكَ وَابْنَ خُلَفَائِكَ
الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَالذَّرِيعَةَ إِلَى رَأْفَتِكَ
وَعَفْرَانِكَ أَللَّهُمَّ وَأَوَّلَ حَاجَتِي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي عَلَى
كَثْرَتِهَا وَأَنْ تَعْصِمَنِي فِيهَا بِقِيٍّ مِنْ عُمْرِي وَتُطَهِّرَ دِينِي مِمَّا يُدْنِسُهُ
وَيَشِينُهُ وَيُزِرِّي بِهِ وَتَحْمِيَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِّ وَالْفَسَادِ وَالشَّرِكِ وَتُبَيِّنَنِي
عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَذُرِّيَّتِهِ النَّجْبَاءِ السُّعْدَاءِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ
وَرَحْمَتِكَ وَسَلَامِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَتُحْيِيَنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَتُمِيتَنِي
إِذَا أَمْتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَأَنْ لَا تَمُحُو مِنْ قَلْبِي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَبَعْضَ
أَعْدَائِهِمْ وَمُرَافَقَةَ أَوْلِيَائِهِمْ وَبِرَّهُمْ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّي
وَتُحِبِّبَ إِلَيَّ عِبَادَتَكَ وَالْمُواظَبَةَ عَلَيْهَا وَتُنَشِّطَنِي لَهَا وَتُبَغِّضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ
وَمَحَارِمَكَ وَتَدْفَعَنِي عَنْهَا وَتُجَنِّبَنِي التَّقْصِيرَ فِي صَلَوَاتِي وَالِاسْتِهَانَةَ بِهَا
وَالتَّرَاحِي عَنْهَا وَتُوَفِّقَنِي لِتَأْدِيبَتِهَا كَمَا فَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ عَلَى سُنَّةِ رَسُولِكَ
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ خُضُوعاً وَخُشُوعاً وَتَشْرَحَ صَدْرِي
لِإِيْتَاءِ الرِّكَوَةِ وَإِعْطَاءِ الصَّدَقَاتِ وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ وَالِإِحْسَانِ إِلَى شِيْعَةِ آلِ
مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَمُؤَاسَاتِهِمْ وَلَا تَتَوَفَّأَنِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ تَرْزُقَنِي حَجَّ بَيْتِكَ
الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَقُبُورِ الْأُمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَوْبَةً
نَصُوحاً تَرْضَاهَا وَنِيَّةً تَحْمَدُهَا وَعَمَلاً صَالِحاً تَقْبَلُهُ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي
إِذَا تَوَفَّيْتَنِي وَتَهَوَّنَ عَلَيَّ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَتَحْشُرَنِي فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَتَجْعَلَ دَمْعِي غَزِيراً
فِي طَاعَتِكَ وَعَبْرَتِي جَارِيَةً فِي مَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ وَقَلْبِي عَطُوفاً عَلَى أَوْلِيَائِكَ

وَتَصُونَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مِنَ الْعَاهَاتِ وَالْآفَاتِ وَالْأَمْرَاضِ الشَّدِيدَةِ
وَالْأَسْقَامِ الْمُزْمِنَةِ وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَالْحَوَادِثِ وَتَصْرِفَ قَلْبِي عَنِ
الْحَرَامِ وَتُبْعِضْ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ وَتُحَبِّبْ إِلَيَّ الْحَلَالَ وَتَفْتَحْ لِي أَبْوَابَهُ وَتَثَبِّتْ
نِيَّتِي وَفَعْلِي عَلَيْهِ وَهَمِّدْ فِي عُمْرِي وَتُعَلِّقْ أَبْوَابَ الْمَحَنِّ عَنِّي وَلَا تَسْلُبْنِي
مَامَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَلَا تَسْتَرِدَّ شَيْئاً مِمَّا أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ وَلَا تَنْزِعْ مِنِّي النِّعَمَ
الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَتَزِيدْ فِيهَا حَوْلَتَنِي وَتُضَاعِفْهُ أضعافاً مُضاعِفَةً
وَتَرْزُقْنِي مَالاً كَثِيراً وَاسِعاً سَائِغاً هَنِيئاً نَافِئاً وَافِياً وَعِزّاً بَاقِياً كَافِياً وَجَاهاً
عَرِيضاً مَنِيعاً وَنِعْمَةً سَابِغَةً عَامَةً وَتُعِينَنِي بِذَلِكَ عَنِ الْمَطَالِبِ الْمُنْكَدَةِ
وَالْمَوَارِدِ الصَّعْبَةِ وَتُخَلِّصَنِي مِنْهَا مُعَافِئاً فِي دِينِي وَنَفْسِي وَوَلَدِي وَمَا
أَعْطَيْتَنِي وَمَنْحَتَنِي وَتَحْفَظْ عَلَيَّ مَالِي وَجَمِيعَ مَا حَوْلَتَنِي وَتَقْبِضْ عَنِّي
أَيْدِي الْجَبَابِرَةِ وَتَرُدَّنِي إِلَى وَطَنِي وَتُبَلِّغَنِي نِهَآئَةَ أَمَلِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي
وَتَجْعَلَ عَاقِبَةَ أَمْرِي مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً وَتَجْعَلَنِي رَحِيبَ الصَّدْرِ
وَاسِعِ الْحَالِ حَسَنَ الْخُلُقِ بَعِيداً مِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنْعِ وَالنَّفَاقِ وَالْكَذِبِ
وَالْبَهْتِ وَقَوْلِ الزُّورِ وَتُرْسِخْ فِي قَلْبِي مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشِعْرَتَهُمْ
وَتَحْرُسْنِي يَارَبُّ فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِ حُرَانَتِي وَإِخْوَانِي
وَأَهْلِ مَوَدَّتِي وَدُرِّيَّتِي بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ اَللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي عِنْدَكَ وَقَدْ
إِسْتَكْرْتُهَا لِلْوَمِيِّ وَشُحِّي وَهِيَ عِنْدَكَ صَغِيرَةٌ حَقِيرَةٌ وَعَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسِيرَةٌ
فَأَسْأَلُكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَكَ وَبِحَقِّهِمْ
عَلَيْكَ وَهِيَ أَوْجَبَتْ لَهُمْ وَبِسَائِرِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ
الْمُخْلِصِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَيَأْسَمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لِمَا قَضَيْتَهَا كُلَّهَا

وَأَسْعَفْتَنِي بِهَا وَلَمْ تُخَيِّبْ أَمَلِي وَرَجَائِي أَللَّهُمَّ وَسَفَّحْ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ لِي يَا سَيِّدِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ يَا أَمِينَ اللَّهِ أَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي هَذِهِ الْحَاجَاتِ كُلِّهَا بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَبِحَقِّ أَوْلَادِكَ الْمُنتَجِبِينَ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاءُهُ الْمُنَزَّلَةَ الشَّرِيفَةَ وَالْمَرْتَبَةَ الْجَلِيلَةَ وَالْجَاهَ الْعَرِيفَ أَللَّهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ أَوْجَهُ عِنْدَكَ مِنْ هَذَا الْإِمَامِ وَمِنْ آبَائِهِ وَأَبْنَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالصَّلَاةُ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي وَطَلِبَاتِي هَذِهِ فَاسْمَعْ مِنِّي وَأَسْتَجِبْ لِي وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَللَّهُمَّ وَمَا قَصَّرْتُ عَنْهُ مَسْأَلَتِي وَعَجَزْتُ عَنْهُ قُوَّتِي وَلَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ صَالِحِ دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَاثْمُنْ بِهِ عَلَيَّ وَاحْفَظْنِي وَاحْرُسْنِي وَهَبْ لِي وَاعْفِرْ لِي وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ أَوْ مَكْرُوهُ مِنْ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ أَوْ مُخَالِفٍ فِي دِينٍ أَوْ مُنَازِعٍ فِي دُنْيَا أَوْ حَاسِدٍ عَلَيَّ نِعْمَةً أَوْ ظَالِمٍ أَوْ بَاغٍ فَاقْبِضْ عَنِّي يَدَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَأَشْغَلْهُ عَنِّي بِنَفْسِهِ وَاكْفِنِي شَرَّهُ وَشَرَّ أَتْبَاعِهِ وَشَيْطَانِيهِ وَأَجِرْنِي مِنْ كُلِّ مَا يَضُرُّنِي وَيُجْحِفُ بِي وَأَعْطِنِي [جَمِيعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مِمَّا أَعْلَمُ وَمِمَّا لَا أَعْلَمُ] أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي وَأَعْمَامِي وَعَمَّاتِي وَأَخْوَالِي وَخَالَاتِي وَأَجْدَادِي وَجَدَاتِي وَأَوْلَادِهِمْ وَوَدَّارِيهِمْ وَأَزْوَاجِي وَذُرِّيَّاتِي وَأَقْرَبَائِي وَأَصْدِقَائِي وَجِيرَانِي وَإِخْوَانِي فِيكَ مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِ وَالْعَرَبِ وَلِجَمِيعِ مَنْ عَلَّمَنِي خَيْرًا أَوْ تَعَلَّمَ مِنِّي عِلْمًا أَللَّهُمَّ أَشْرِكُهُمْ فِي صَالِحِ دُعَائِي وَزِيَارَتِي لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَشْرِكْنِي فِي صَالِحِ ادْعَائِهِمْ بِرَحْمَتِكَ

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَبَلِّغْ وَلِيَّكَ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ يَا سَيِّدِي يَا مَوْلَايَ)

بجای (فلان بن فلان) نام امامی را که زیارت می‌کنید و نام پدر
آن بزرگوار را بگویید، و سپس ادامه دهید:

(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ أَنْتَ وَسَيْلَتِي إِلَى اللَّهِ وَذَرِيعَتِي
إِلَيْهِ وَبِي حَقُّ مُوَالَاتِي وَتَأْمِيلِي فَكُنْ شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْوُقُوفِ
عَلَى قِصَّتِي هَذِهِ وَصِرْفِي عَنْ مَوْفِي هَذَا بِالنُّجْحِ مِمَّا سَأَلْتَهُ كُلَّهُ بِرَحْمَتِهِ
وَقُدْرَتِهِ اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً وَبُناً رَاجِحاً وَعِزّاً بَاقِياً وَقَلْباً زَكِياً وَعَمَلاً
كَثِيراً وَأَدَباً بَارِعاً وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ لِي وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ).

دعای کمیل

از دعاهای بسیار معروف دعای کمیل است. علامه مجلسی(ره) می‌فرماید: این دعا، دعای خضر است و از بهترین دعاهاست که امیر المؤمنین علیه السلام آن را به کمیل بن زیاد که از بهترین یاران آن حضرت بود، یاد داد.

این دعا در شبهای نیمه شعبان و شبهای جمعه خوانده می‌شود و در دور کردن شر دشمن و گشایش رزق و روزی و آمرزش گناهان مؤثر می‌باشد، و آن دعاء شریف این است:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَخَصَّصَ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَذَلَّ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعَجْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّتِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّتِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّتِي أَضَاءَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ التَّقَمَّ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْسِبُ الدُّعَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

الدُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ
أَخْطَأْتُهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ، وَأَسْأَلُكَ
بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ،
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَدَلِّلٍ خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي
وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا، اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ
سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَعَظَّمَ فِيهَا
عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ، اللَّهُمَّ عَظِّمْ سُلْطَانَكَ وَعَلَا مَكَانَكَ وَخَفِي مَكْرَكَ وَظَهَّرْ
أَمْرَكَ وَغَلَبْ قَهْرَكَ وَجَرِّتْ قُدْرَتَكَ وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ، اللَّهُمَّ لَا
أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا، وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ
بِالْحَسَنِ مُبَدَّلًا غَيْرَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي،
وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنَّكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ
مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتُهُ (أَمَلْتَهُ) وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ
وَقَيْتَهُ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ تَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ،
اللَّهُمَّ عَظِّمْ بَلَائِي وَأَفْرِطْ بِي سُوءَ حَالِي، وَقَصِّرْ بِي أَعْمَالِي (قَصَّرْتُ) بِي أَعْمَالِي
وَقَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي، وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمَلِي (أَمَلِي)، وَخَدَعْتَنِي
الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا (بِخِيَانَتِهَا) وَمَطَالِي يَا سَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ
بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَخْجِبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي، وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِي
مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي
مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهْوَاتِي وَعَقْلَتِي،
وَكَئِنْ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ (فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا) رَوْفًا وَعَلَيَّ فِي

جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشَفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ
 فِي أَمْرِي، إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هُوَ نَفْسِي وَلَمْ
 أَحْتَسِبْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَأَسْعَدَهُ عَلَى ذَلِكَ الْقَضَاءِ
 فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوَامِرِكَ
 فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحُجَّةُ) عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ وَلَا حُجَّةَ لِي فِيهَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ
 قَضَاؤُكَ وَالزَّمَنِي حُكْمُكَ وَبِلَاؤُكَ، وَقَدْ آتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي
 وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُفْرَأً
 مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْرَعًا اتَّوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي
 غَبَرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَإِدْخَالَكَ إِنْيَايَ فِي سَعَةِ (مَنْ) رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ (إِلَهِي)
 فَاقْبَلْ عُذْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكَّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي، يَا رَبَّ ارْحَمْ
 صَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرَنِي وَتَرَبَّيْتَنِي
 وَبَرَّيْتَنِي وَتَعَدَّيْتَنِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرِّكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي
 وَرَبِّي، أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ
 مَعْرِفَتِكَ وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَأَعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ
 صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَبْهَاتِ أَنْتَ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ تُصَبِّحَ
 مَنْ رَبَّيْتَهُ أَوْ تُبْعِدَ (تُبْعِدَ) مَنْ أَدْبَيْتَهُ أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ أَوْيْتَهُ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى
 الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَكَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ أَنْتَ سَلَطُ
 النَّارِ عَلَى وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَعَلَى أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ
 صَادِقَةً، وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً، وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً، وَعَلَى
 ضَمَائِرٍ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً، وَعَلَى جَوَارِحٍ سَعَتْ إِلَى

أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ طَائِعَةً وَأَشَارَتِ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً، مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا
 أُخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمٌ يَا رَبِّ وَأَنْتَ تَعَلَّمْ صَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ
 الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ
 وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنُوهٌ، يَسِيرٌ بِقَاوُوهُ، قَصِيرٌ مُدْتُهُ فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ
 وَجَلِيلٍ (حُلُولٍ) وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقَامُهُ
 وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَأَنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ،
 وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي (بِي) وَأَنَا
 عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ، يَا إِلَهِي وَرَبِّي
 وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو وَلِمَا مِنْهَا أَضِجُ وَأَبْكِي لِأَلِيمِ
 الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ، فَلَيْتَ صَبَرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ
 أَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَائِكَ
 وَأَوْلِيائِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ
 أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي (يَا إِلَهِي) صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ
 النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي
 وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ صَادِقًا لَنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لِأَضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا صَجِجَ
 الْأَلْمِينَ (الْأَلْمِينَ) وَلَاضْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخُ الْمَسْتَضْرِحِينَ، وَلَابْكِينَ عَلَيْكَ بُكَاءَ
 الْفَاقِدِينَ، وَلَا نَادِيَنَّكَ أَيَّنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا
 غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، أَفْتَرَاكَ
 سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِّنَ (يُسْجَنُ)
 فِيهَا مُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا مَعْصِيَتِهِ وَحَسِبَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ

وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ صَجِيحَ مُؤْمَلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ
تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ
يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ، أَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَهُوَ يَأْمَلُ فَضْلَكَ
وَرَحْمَتَكَ أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبِهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ
يَسْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا
وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ، أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ، أَمْ كَيْفَ
يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عَتَقِهِ مِنْهَا فَتَتَرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا
الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشَبِّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُؤَخِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ
وَإِحْسَانِكَ، فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جاحِدِيكَ،
وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَا كَانَتْ
لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مَقَامًا لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ
الْكَافِرِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ وَأَنْتَ جَلَّ
تَنَاوُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا، وَتَطَوَّلَتْ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا أَقَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ
فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَبِالْقَضِيَّةِ
الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا وَعَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتُهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ
اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ قَيْحٍ
أَسْرَرْتُهُ، وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ، كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَحْقَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ
أَمَرْتَ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي
وَجَعَلْتَهُمْ شُهودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَكُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ،
وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ أَحْفَيْتُهُ، وَبِفَضْلِكَ سَرَرْتُهُ، وَأَنْ تُؤَفِّرَ

حَطِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ (تَنْزَلُهُ) أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ أَوْ بِرٍّ نَشَرْتَهُ (تَنْشُرُهُ) أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ (تَبْسُطُهُ) أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَا تَسْتُرُهُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رَقِي، يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي يَا عَلِيمًا بِضُرِّي (بِفَقْرِي) وَمَسْكَنَتِي، يَا خَيْرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنْ (فِي) اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي (وَأَرَادَتِي) كُلُّهَا وَرِدًّا وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا، يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكُوتُ أَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَأَشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي الْوَجْدَ فِي حَشِيَّتِكَ، وَالِدَوَامَ فِي الْأَتْصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مِيَادِينِ السَّابِقِينَ وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ (الْمُبَادِرِينَ) وَأَشْتاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُسْتَأَقِينَ وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ، وَأَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ، أَللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَارِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ، وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لِي بِجُودِكَ وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهَجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيماً وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ، وَأَقْلَبِي عَثْرَتِي وَاعْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ فَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ بِعِبَادَتِكَ، وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ، وَصَمِمْتَ لَهُمْ الْإِجَابَةَ، فَالَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاكْفِنِي شَرًّا

الْجَنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي، يَا سَرِيحَ الرِّضَا إِغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءَ
فَأَنْتَ فَعَالَ لِمَا تَشَاءُ، يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنَى، إِرْحَمْ
مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، يَا سَابِغَ النَّعْمِ، يَا دَافِعَ النَّقْمِ، يَا
نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعَلَّمُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَفْعَلِي بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأُمَّةِ الْأَمِيَامِينَ مِنْ آلِهِ
(أَهْلِهِ) وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا).

فهرس

- قسمت اول: آشنایی با مقدمات عمره..... ۵
- جایگاه و فضیلت عمره مفرده..... ۷
- اقسام عمره مفرده..... ۸
- شرایط تحقق استطاعت..... ۸
- واجبات احرام..... ۱۹
- مستحبات احرام..... ۲۵
- مکروهات احرام..... ۲۸
- مُحرّمات احرام..... ۲۹
- اول - شکار صحرائی که وحشی باشد،..... ۲۹
- دوم - جماع کردن با زن..... ۳۲
- سوم - عقد کردن زن از برای خود..... ۳۳
- چهارم - استمناء..... ۳۴
- پنجم - استعمال عطریات..... ۳۴

- ششم - پوشیدن چیز دوخته ۳۶
- هفتم - مطلق زینت کردن و آراستن ۳۸
- هشتم - نگاه کردن در آینه ۳۸
- نهم - پوشیدن موزه و چکمه و گیوه ۳۸
- دهم - فسوق ۳۹
- یازدهم - جدال ۳۹
- دوازدهم - کشتن جانورانی که در بدن ساکن می شوند ۴۰
- سیزدهم - انگشتر بدست کردن به جهت زینت ۴۱
- چهاردهم - پوشیدن زیور برای زن بجهت زینت ۴۱
- پانزدهم - روغن مالیدن است به بدن ۴۲
- شانزدهم - ازاله مو از بدن خود یا غیر خود ۴۲
- هفدهم - پوشانیدن مرد سر خود ۴۴
- هیجدهم - پوشانیدن زن روی خود ۴۵
- نوزدهم - سایه قرار دادن مرد بر بالای سر خود ۴۶
- بیستم - بیرون آوردن خون از بدن خود ۴۷
- بیست و یکم - ناخن گرفتن ۴۷
- بیست و دوّم - کندن دندان ۴۸
- بیست و سوّم - کندن یا بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روئیده باشد و
یا شاخه آن در حرم قرار گرفته باشد ۴۹
- بیست و چهارم - سلاح در برداشتن ۴۹
- مسائل متفرقه محرمات احرام ۵۰
- مستحبات دخول حرم ۵۱

- مستحبات دخول مكه معظمه..... ۵۲
- آداب دخول مسجد الحرام..... ۵۳
- طواف واجب و بعضی از احكام آن..... ۵۹
- واجبات طواف..... ۶۰
- قسم اول - چیزهایی که شرط طواف است..... ۶۰
- اول - نیت..... ۶۰
- دوم - آن است که طاهر باشد..... ۶۱
- سوم - طهارت بدن و لباس است از نجاست..... ۶۳
- چهارم - ختنه کردن است در حق مردان..... ۶۵
- پنجم - ستر عورت..... ۶۵
- قسم دوم - چیزهایی است که گفته اند داخل در حقیقت طواف است..... ۶۶
- اول - آنکه ابتداء کند به حجر الاسود..... ۶۶
- دوم - ختم نمودن هر دوری است به حجر الاسود..... ۶۶
- سوم - آنکه در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ واقع شود..... ۶۷
- چهارم - داخل کردن حجر اسماعیل علیه السلام است در طواف..... ۶۸
- پنجم - طواف بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام..... ۶۸
- ششم - خروج طواف کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است..... ۶۸
- هفتم - آنکه هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادتیر..... ۶۹
- حائض شدن پس از طواف و پیش از نماز آن..... ۷۶
- پی بردن به حیض پس از نماز طواف..... ۷۶
- وظیفه مستحاضه..... ۷۶
- حائض شدن پیش از طواف نساء یا در اثنای انجام آن..... ۷۷

- آداب و مستحبات طواف ۷۹
- نماز طواف ۸۳
- مستحبات نماز طواف ۸۵
- سعی و بعض احکام آن ۸۷
- مستحبات سعی ۹۰
- تقصیر و بعض احکام آن ۹۷
- طواف نساء ۹۹
- مستحبات دیگر مکه معظمه ۱۰۱
- مسائل متفرقه ۱۰۷
- ادعیه و زیارات مأثور ۱۱۳
- قسمت اول: زیارات ۱۱۳
- زیارت رسول الله ﷺ و کیفیت آن ۱۱۳
- آداب زیارت ۱۱۳
- اذن دخول ۱۱۴
- زیارت پیامبر اکرم ﷺ ۱۱۵
- زیارت رسول خدا ﷺ هنگام وداع ۱۱۶
- زیارت حضرت فاطمه زهرا ﷺ ۱۱۷
- زیارت ائمه بقیع علیهم السلام ۱۱۹
- زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ ۱۲۲
- زیارت فاطمه بنت اسد ۱۲۴
- زیارت ائمه بقیع علیهم السلام هنگام وداع ۱۲۵
- زیارت حضرت حمزه سید الشهداء ۱۲۵

- ۱۲۶ زیارت قبور شهدای احد
- ۱۲۸ زیارت امین الله
- ۱۳۰ زیارت جامعه کبیره
- ۱۳۹ قسمت دوم: ادعیه
- ۱۳۹ دعاء عالیہ المضامین
- ۱۴۴ دعاء کمیل